

1-866-980-9977

122 w.15th st.North Vancouver.BC.Canada

صرافی سلامت  
www.salamat.ca

ارسال دلار به ایران و بالعکس - سریع و قابل اطمینان

**فرنیش دپو Furnish Depo**  
بامدیریت حکمت لاوی  
پارس گالری سابق درمحل جدیدارائه میکند  
**ایده های متفاوت برای دکوراسیون منزل و محل کار**  
روزهای هفته ۶-۱۰ روزهای یکشنبه ۵-۱۱  
(213) 347-0140 830S.HillSt First &Second

از انتشارات ایران چاپ  
**عصر امروز**  
Tel: (818) 783-0000 www.asreemrooz.com

اتو استیگلر با ۵۰ سال سابقه STIEGLER, INC.  
فروشنده بیشترین اتومبیل های مرسدس بنز به جامعه ایرانی  
John .JR Stiegler  
خوشحال است عرضه کننده بهترین سرویس و خدمات بعد از فروش به مشتریان ایرانی باشد  
(818) 788-0234  
16721 Ventura Blvd, Encino

Vol 17, No:3950, Fri 15 July 2005 Tel: (818) 783-0000 \*\*\* Fax: (818) 783-3679 Email: info@asreemrooz.com

سال هفدهم - شماره ۳۹۵۰ جمعه بیست و چهارم تیر ۱۳۸۴ (نشره روزانه ایرانیان خارج از کشور)

عکس روز:  
**عمامه برداری!**  
هاشمی رفسنجانی  
افزود: عمامه را برداشتم برای بیرون آوردن لباده و برداشتن عبا، استخاره خوب نیامد!

**اخطار مجدد امریکا به حکومت ایران غنی سازی اورانیوم باید به طور دائم کنار گذاشته شود!**



**رستوران جوان**  
۱۱۵۰۰ سانتامونیکا بلوار  
از چهارشنبه تا شنبه با بیانوی داریوش عباسی  
دلیوری تا شعاع سه مایل مجانی  
۵۵۵۵ - ۲۰۷ (۳۱۰)  
www.javanRestaurant.com

گفتگوی طولانی  
رییس جمهوری با رییس قوه قضائیه درباره آزادی اکبر گنجی  
عکس های این زندانی سیاسی نگران کننده بود!

**مقررات شدید تر برای دختران و زنان خیابانی**  
دختران فراری کمتر از ۲۴ ساعت پس از فرار مورد تجاوز قرار می گیرند

برای زیباتر شدن با آرایشی برای در مرکز جراحی زیبایی دکتر جورج بوریس تماس بگیرید  
جراحی زیبایی بینی - کشیدن پوست صورت - برداشتن خطوط صورت - عمل پلک های چشم - کوچک و بزرگ کردن سینه بوتاکس و کالونژن - گذاشتن چانه و گونه - تمامی تآک - برطرف کردن مشکل خرخر - لایپوساکشن و شکل دادن به اندام  
Tel: 1-800-893-7788

**شبه های تهران**  
پذیرائی هفت روز هفته نهار و شام  
۵شنبه - جمعه - شنبه و یکشنبه شبها همراه با هنرمندانی که دوستشان دارید  
آرتور به همراهی ارکستر فریدون حیدرینیا، بولین بهروزیناهی و ضرب و تیمباز جمال  
بهرام فروهر پروانه سید کریم  
16101 Ventura Blvd Encino Plaza (818) 905-7774

**کلبه سبز**  
رستوران خانوادگی شما  
GREEN COTTAGE کلبه سبز  
The Best In Persian Cuisine  
برنامه مخصوص، جمعه و شنبه بارکسترشاد آریس و آن و گروه کلاسیک و رقص عربی ورودی ۲۵ دلار باشام و سه نوع پیش غذا شروع برنامه ۹ شب  
۲۲۰۰۲۲ وینتور ایلوار بین کوربین و وینتکا در شهر وودلاند هیلز ۸۸۱۵ - ۸۸۸ (۸۱۸) تلفن

**دکتر رضا کلانتری نژاد**  
متخصص و جراح چشم  
اگر بیش از چهار سال دارید و برای خواندن عینک میزینید من می توانم با انجام عمل مدرن و جدید Light Touch Ck با استفاده از امواج رادیویی و بدون برش روی قرنیه با استفاده از لیزر پیر چشمی شما فقط در چند ثانیه اصلاح نمایم و جوانی را به چشمهای شما بازگردانم  
پشتوانه من تجربه صدها جراحی موفق است که تاکنون انجام داده ام برای مشاوره رایگان و تعیین وقت با مطب من در انستیتو تماس بگیرید  
Tel: (818) 380 - 9193 888-88EYE MD تلفن رایگان  
16661 Ventura Blvd # 608

**دکتر حسین اشراقی**  
استاد دانشگاه تهران و دانشگاه UCLA  
دارای بورده تخصصی از آمریکا  
**تشخیصی و درمان:**  
پولیپ و سرطان روده بزرگ، زخم معده و آنتی عشر دردهای شکم، بواسیر، بیماریهای کبد و کیسه صفرا اندوسکوپی معده و روده  
(۸۱۸) ۷۰۷۰ - ۵۰۰

**ثریا رسمی نماینده بیمه**  
ارائه مناسبترین نرخ های بیمه : سلامتی - دندان - عمر - اتومبیل - تجاری - منزل و زلزله و نیز بیمه افراد ۶۵ سال به بالا  
۱۴۴۴ - ۶۰۰ (۳۱۰) ۷۳۱-۸۱۸۳ (۸۱۸)

**رستوران شمال**  
برنامه آخر هفته با موزیک زنده (صدای جمشید و رقص عربی و قاسم آبادی) هاشب هفته با داریوش نوازنده کیبورد  
میرزا قاسمی - باقالاتوق - کباب ترش - کله کباب زیتون پرورده و بلدرچین و کباب اوزون بیرون کباب کوبیده، کباب سلطانی، کباب برگ، جوجه کباب، ماهی و انواع خورشت ها  
از ۲شنبه تا جمعه نهار مخصوص ۶/۹۹ کترینگ و دلیوری تا ۴ مایل مجانی  
19548 Ventura Blvd, Tarzana CA 91356  
Tel: (818) 609-9988

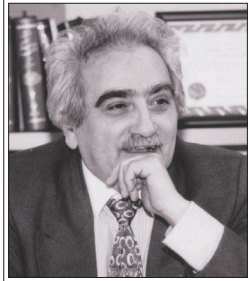
**دیشی و رسیور ماهواره**  
مخصوص تلویزیونهای ۲۴ ساعته ایرانی  
فقط ۱۶۰ دلار  
(۸۱۸) ۲۸۸-۰۸۳۲

**رستوران شیراز**  
باغذاهای متنوع و سرویسی عالی  
پنجشنبه شهباموسیقی امیل ایرانی با صدای دانشین پڑمان باقری جمعه و شنبه شهبابا و حید نوازنده کیبورد و خواننده معروف شنبه شهباهمراه با رقص زیبای عربی  
15472 Ventura Blvd (818) 789-7788  
دلیوری مجانی تا شعاع ۲ مایل

### حرفهای روز

از: عباسی پهلوان

تلفن مستقیم سردبیر  
۲۸۴۹-۷۸۳۳ (۸۱۸)



## دنیای ستاره ها

عکس اکبر گنجی در حالی که دست ها زیر سر دارد و پلک ها بر هم، مرا به تابستان سال ۱۳۷۹ برد و سلولی که مرا در آن چنانده بودند.

معمولا آدمیزاد به آسمان نظر دارد، خیال می کند از آنجا آمده است. آدم و حوا را از آن ملکوت اعلاء (می گویند آسمان هشتم و یا بالاتر) پرت کرده اند روی زمین!

ما که از بچگی عادت پست بام خوابی داشته ایم. ساعتی و ساعت ها- پیش از این که خوابمان ببرد- در خنکای تشک دراز کشیده و به آسمان پرستاره خیره می ماندیم و به گفته بزرگترها و یا به تصور خودمان، درخشان ترین ستاره ی آسمان را، ستاره خودمان می دانستیم. گاهی به ماه شب چهارده آتقدر خیره می ماندیم که انگار ماه بالای سرمان بود. مادر چند دفعه تشر زده بود، زیاد به ماه نیگا نکنید، واهمه ماه گرفتگی پیدا می کنید!

نمی دانستیم واهمه ماه گرفتگی چیست؟ آیا نوعی وسوسه شدن، خیالاتی شدن، عینهو دریا در شب، که زمزمه موج انگار آدم را به دریا، به آغوش دریا، به دورترهای آب می خواند. از این امراضی که می گویند در جنوب ایران، فراوان است، حالتی مثل جن زدگی...!

آسمان، بخصوص شب ها برای ما خیلی اخت و نزدیکمان بود. خیره شدن به ستاره ها در بچگی و نوجوانی و میانسالگی که در هر زمانی، تصورات و تفکرات و خیالات خودش را داشت.

اما در سلول زندان و در آن چند قدم جا، وقتی روی تخت یا سکوی سنگی، روی پتو چرک می خوابی، دیگر آسمانی نیست و سقف است و دیگر هیچ. از آسمان فیروزه ای، از فوج ستاره ها خبری نیست. از آن ستاره هایی که در شهرهای حاشیه کویر - من به کویر نرفته ام- انگار روی پشت بام یا بالای رختخواب ما هستند و می توانی دست بپندازی و یکی از آنها را در مشت خود بگیر.

اما در سلول فقط یاد آن شب های پرستاره و بعدها از آسمان، از دنیای کیهکشان ها، از ستاره های دنباله دار، از دب اصغر و دب اکبر به یاد داشتی.

زمانی بعد در پاریس از اسماعیل پور والی که خیلی به دنیای ستاره ها و کیهکشان ها علاقه داشت و مطالعه می کرد، این بیت را شنیده بودیم: **شیدستی که هر کوکب جهانست جداگانه زمین و آسمانی است!**

... و یاد کوکب یا کبری دختر همسایه دیوار به دیوارمان. در پشت بامی که فقط یک لنگه پا، به آن طرف می پریدی یا او را به تشک خود می خواندی و بعد دیگر هیچ چیز نمی دانستی. دلواپسی بود و هراس و سینه های کال و طپش تند قلب ها... و بوسه های عجولانه و دست ها در هراس، از دست درازی به تقاط ممنوع!

## شیر در زنجیر

یکی از بزرگان گفت: پارسایی را چه کوبی در حق فلان عابد که دیگران به طعنه در او سخن ها گفته اند؟ گفت: پر ظاهرش عیب نمی بینم و در پایش عیب نمی دانم!

عکس های تازه ای از اکبر گنجی که سی و سه، چهار روز از اعتصاب غذای او در زندان می گذرد، در سایت های خبری آمده است. زار و نزار و تکیده ولی چنانچه خانم او گفته است با روحیه ای قوی.

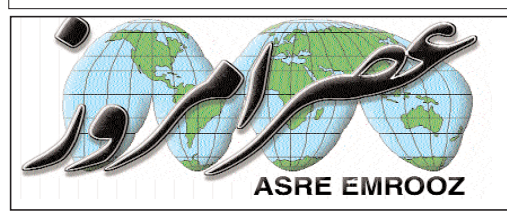
بعضی ها عادت دارند که برای هر چیزی یک (اکر) و (مگر) و (چرا) و (چطور) و (چگونه) و خیلی حرف و حدیث ها برای هر قضایایی بیآورند، بدبینی اشان از اینست که این زندانیان مثل گنجی (قبلا چند نفر دیگر مثل امیرانتظام) در سلول و یا زندان های دیگر و بندهای چند نفری آن، از کجا قلم و کاغذ می آورند و حکایات می نویسند، یابنه صادر می کنند؟ کتاب می نویسند؟ خاطرات شکنجه های خود را شرح می دهند؟ و یا مثل اکبر گنجی درباره «جمهوریت» نظریه ای را از زندان برای جراید می فرستد که حالا گیر و گرفتار شده که اگر هم آزاد شود بابت آن نوشته ها و گفته ها دوباره محاکمه و زندانی خواهد شد!

دیروز هم که یکی از همکاران عکس های اکبر گنجی را در سلول دید. پرسید: چگونه به عکاس اجازه داده نشده تا به داخل زندان برود و چنین عکس هایی بگیرد که دل هر آدمی را می سوزاند و به درد می آورد؟ جواب خیلی ساده است: خامش که مرتب به دیدن او می رود و یا وکیل اکبر گنجی با تلفن همراه هم می تواند عکس بگیرد و در تالی رژیم هم در مقابل می خواهد بگوید: که زندانی سرسختش- نه سر و مرو، و گنده- بلکه هنوز زنده است!

در هر حال گنجی بیش از ۵ سال است در زندان مانده و نوشته هایش هم هست. داد و قاشی را می شویم و در مقابل عناد و کینه توری رژیم نسبت به او را هم می بینیم و جای هیچگونه شک و شبهه ای باقی نیست که متأسفانه در همین چراها؟ و چطورها؟ ی بیبوهه بود که خیلی های قربانی شدند و ما افسوس خوردیم. و به قول شاعر: هر خسی از رنگ و رفتاری بدین ره کی رسد/ درد باید مرد سوز و مرد باید گم نام./

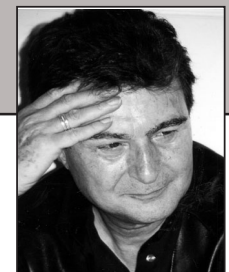
یادم می آید که در سفر آدریوش فروهر به اروپا (و پاریس) جمعی از مبارزان و فعالان سیاسی مخالفان رژیم همدارها و رهنمودهای او را برای اتحاد، جدی نگرفته بودند تا مگر سینه چاک و چاک و گلو بریده او را دیدند!

## پشت بام خوابی و



مدیر: هایوان هوشیار ژاد سردبیر: عباس پهلوان Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 IRANIAN PUBLISHING INC. ASRE EMROOZ.com 16661 Ventura Blvd#212 Encino, CA 91436 Tel: (818) 783-0000 Fax: (818) 783-3679 www.asreemrooz.com

# ایران هرگز نخواهد مرد....



## درد فتراپام

پرئویز قاضی سعید

وقتی می خواهی نبینی، چشم هایت را می بندی، اما اگر بخواهی نیاندیشی چه می کنی؟ چگونه این دشمن جان را، اندیشیدن را از خود دور می سازی؟ با چه وسیله ای می توانی ذهن ناآرام و سرکش و بیدادگر را، دمی و لحظه ای از بوئیدن و جوشیدن و روان را سائیدن باز داری؟

هر چه می کنم، این دشمن جان را، این ذهن ناآرام را، این هجوم افکار و اندیشه های گوناگونه نه چندان مطلوب را از خود دور کنم. نمی توانم از جا برمی خیزم و بر سر خود فریاد می زنم:

امان از خودش را بی خانه دیدن خود اندر خانه ییکانه دیدن سپس ییکانه بی خانمان را به جای خوش صاحبخانه دیدن برای اینکه ای آن آب تلخوش جگرسوز را، بریزم، نه آن آب تلخوش جگرسوز را، آبی زلال و خنک، از سرچشمه کوهپایه های بلند فرنگ سرزمینمان را، سواغ میرزاده عشقی می روم و همینطور به سبک فال حافظ آنرا می کشایم! غافل از اینکه قبالا ی کتاب «کارت وزینتی» گذاشته ام که ناگزیر همان «کارت وزینت» است که کتاب را می کشاید، نه سرنیچه ناخن و نیت من!

نکته نامحرم!

خانمی که از سفر ایران آمده است. داستانی را برابرم تعریف کرد که کم مانده بود روی کله مبارک بنده اسفناج سبز بشود! این خانم می گفت: من و دوستم در یکی از خیابان های تهران سوار تاکسی شده بودیم و می خواستیم به خانه یکی از اقوام مان در حوالی میدان خراسان برویم.

روزی صدلی عقب تاکسی، یک خانم چادر مقننه دار- از آنهایی که فقط یک چشم شان از زیر مقننه بیرون است و دنیا را از دریچه همان سوراخ کوچولو نگاه می کنند- نشسته بود و چنان به ما چشم غره می رفت که انگار ما با بیبکینی یا مایوی دو تیکه در خیابان های تهران ظاهر شده ایم!

بعد از چند دقیقه ای، خانم مقننه دار به راننده تاکسی دستور داد که توقف کند، و راننده هم گوشه ای توقف کرد تا خانم بیهاده بشود، خانم که گویا از آن اسلامی های ناب دو آتش بود، از کیشی مقداری پول درآورد و بعدش پول را ریخت توی کفکبری که به همراه داشت و آنرا به طرف راننده دراز کرد...!

راننده هم که هاج و واج مانده بود، فوراً از اتومبیلش بیهاده شد و رفت صندوق عقب ماشینش را باز کرد و از توی صندوق عقب اتومبیلش برداشت و با انبر پول ها را ریخت توی کیسه ای که جلوی داشبوردش آویزان بود!

## محمد سعید حبشی

تایستان داغی شروع شده است اما گرمای آن هرگز به گرمای پای دورانی که تازه فهمیده بودیم دیدن دختر همسایه قند در دلمان آب می کند، نمی رسد.

طرف های عصر که به خانه خاله جان می رفتیم، حیاط و باغچه ها را آب داده بود و در اطافی که هم کف با حیاط و خنک تر از بقیه اطافی ها بود، می نشستیم. خاله جان که خودش از گرما کلافه شده بود و با بازدین خود را باد می زد، بلافاصله چند لیوان شربت آلبالو جلوی ما می گذاشت و می گفت:

- این تو گرما جیگرتون رو حال می یاره.

اما جیگر ما برادرهای شیطان که داشتیم به سن بلوغ نزدیک می شدیم، با دیدن پاهای دختر همسایه او حال می آمد و بس. یک غریزه طبیعی بود و دختر همسایه هم هر وقت ما را می دید بیشتر بیرون و تو می کرد. بهترین موقع برای ما وقتی بود که از پله ها بالا می رفت. شاید به اندازه دو سه تا بند انگشت تا زیر زانوی او را می دیدیم. اصلا گرما حالی امان نبود. به خانه خاله جان می رفتیم تا دید بریزیم و شب با رویای آنچه که دیده بودیم بخوابیم.

خانه عمه جان هم که می رفتیم یک زن جوان بیوه بود که مرتباً سر حوض می رفت تا پاهایش را به آب بزند. او زیاد خسیس نبود و وقتی پاهایش را داخل حوض می کرد پیراهن یا دامنش را تا یک وجب بالای زانو بالا می زد و ما از گرمای درون می سوختیم نه از گرمای هوا. عمه جان برایمان شربت آلبیمو درست می کرد و آن زن بیوه جوان هم که دمخور عمه جان بود به جمع ما می پیوست و همه اش حواسمان به او بود که کی بلند می شود و کی می نشیند.

بعدها که بزرگتر شدیم و به کلاس های بالاتر رفتیم، خواندیم که تمام این حلات را فریود در کتاب های خود شرح داده و این نوع شیطانی کردن تنها ویژه ما نبود بلکه در تمام پسران دنیا و حتی دختران سر زده، می زند و خواهد زد.

بعدها که دانقه جامعه تغییر کرد و

# خانه خاله جان و دختر همسایه...

مینی ژوب آمد و دختران و زنان در کنار دریا و در استخرها در کنار مردها با بیبکینی شنا می کردند و راه می رفتند، به دوران گذشته خودمان می خندیدیم که برای دو سانت بالای زانو و زیر زانو چه دلهره و هیجانی داشتیم.

امروز هم در آمریکا گاهی اوقات باز به همان دوران سن بلوغ و سال های بعد از آن می خندم که با وجود آزادی ها، باز جوانان، چه دختران و چه پسران، محدودیت های اخلاقی و خانوادگی داشتند و مثل جوانان امروز در آمریکا همه چیز برایشان مهیا و آماده نبود. اگر آن روزها که جوانان برای دیدن دو سانت بالا و پائین زانو دچار دلهره و هیجان می شدند، به آنها می گفتند روزی مقابل شما دختران نیمه عریانی رژه خواهند رفت، باور کردنش مشکل بود. در حالی که همان جوانان که امروز سنی ازشان گذشته شاهد صحنه های بسیار بی پرواتری هستند که به رغم عریان بودنشان اما آن گرمای سابق را ندارند. حتی برای جوانان امروزی هم این صحنه ها عادی شده و جذابیت چندانی ندارد.

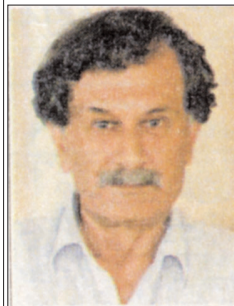
هفته گذشته که در گرمای داغ لس آنجلس عرق می ریختم و دستگاه خنک کننده هم چاره کننده نبود، به یک استخر پارتی دعوت شدم که به

# وودلند هیلز مارکت

آب انار صدف	۳۲۰Z	۹۹ دلار ۳۰
خیارشور یک یک	۲۳۰Z	۱۹۹ دلار
آلبیومی طبیعی اعلا	۱۴۰۰Z	۱۰۷۹ دلار
سبب پینک لیدی	پانندی	۴۹ سنت
زرد آلو	پانندی	۶۹ سنت
پینازجه و تریچه	بسته ای	۱۰ سنت
سبب گالا	پانندی	۹۹ سنت
لک کوآتر	پانندی	۵۹ سنت
کوبیده مرغ	پانندی	۳۹ دلار
فیله مینیون	پانندی	۵۰۴۹ دلار
لم سلدر	پانندی	۲۰۷۹ دلار
کالباس آرزومان مارکدلا	پانندی	۴۰۷۹ دلار
پنیر بلغار	پانندی	۲۰۷۹ دلار
ماست موسیر	پانندی	۲۰۷۹ دلار

گوشت و مرغ و ماهی  
کباب کوبیده، دوسپخ و جوجه کباب یک سبب شیش کباب (چنجه) یک سبب سبزی پلو با ماهی سفید (دو تکه)  
(شامل نان و روغن و گوجه فرنگی و لیمو ترش)  
هر روز یک غذای مخصوص شامل لویپلو، زرشک پلو با مرغ، آبپالو پلو و باقالی پلو با ماهیچه فقط ۵.۹۹ دلار انواع خورشت ها ۶/۹۹  
سالادها- ماست خیاز- ماست اسفناج- ماست موسیر- ماست خیاز یونانی با ماست چکیده  
کیترننگ پذیرفته شده با منقل ذغالی در منازل با بهترین کیفیت  
ساعات کاری: یکشنبه تا ۹ صبح تا ۹ شب  
بقیه روزها ۸ با مادام تا ۹ شب  
آدرس: ۱۹۹۶ و تورا بلوار در شهر وودلند هیلز  
۸۱۸-۹۹۹-۴۴۷۷

# سر و کله و چهره؟!



طنزی از عمران صلاحی-

## تهران

● هر عضوی از اعضای بدن انسان، یک وظیفه اصلی دارد و یک یا چند وظیفه فرعی. در بعضی افراد، وظیفه فرعی جای وظیفه اصلی را گرفته است.

بهتر است به جای هر مقدمه ای برویم سراغ وظایف الاعماء. به نظر شما از بالا شروع کنیم و ببینیم پائین یا بالعکس. ما از بالا شروع می کنیم. حالا کسانی که دوست دارند از پائین شروع کنند، می توانند این مطلب را از آخر بخوانند.

● **موی سر:** وظیفه اصلی مو، حفاظت از سر از گزند بادو باران و آفتاب است. وظیفه دوم آن زیباسازی است. شاید هم این وظیفه اول باشد. بستگی به علاقه و هدف شخص دارد. در افرادی که **سرشان خلوت است**، مو از هر دو وظیفه باز می ماند و این وظایف را چتر و کلاه به عهده می گیرند. البته این روزها با **کاشن مو**، یا **گذاشتن کلاه گیس** می توان وظیفه دوم را تا حدی انجام داد. اما کلاه گیس پیش از آن که از سر محافظت کند، خودش احتیاج به محافظت دارد تا باد آن را نبرد. در بعضی از **نقاط جهان بانوان محترمه هر دو وظیفه را به عهده روسری گذاشته اند**.



**خاطره:** پرویز شاپور می گفت سلمانی محل مرا وسط خیابان به حرف می گرفت که زیر ماشین بروم چون سی سال بود سلمانی نرفته بودم. ● **سر:** وظیفه اصلی سر حفاظت از مغز است. مشروطه بر این که **مورد دوم وجود داشته باشد**، وظیفه دوم، درد کردن است. بعضی ها سرشان درد می کند برای خیلی از چیزها. البته وظیفه ثانوی سر زیاد است. یکی این است که بعضی ها از آن به جای پا استفاده می کنند و می گویند: **از تو به یک اشاره، از ما به سر دویند!**

**لطفیه:** یک نفر برای استخدام به اداره ای رفته بود. در بخش گزینش از او پرسیده بودند شما وقتی وارد توالی می شوید، با پای چپ وارد می شوید یا پای راست؟ طرف گفته

بود شما مرا استخدام کنید، من با سر می روم تو!

بعضی ها بدون این که آشنیزی کرده باشند، **سرخان بوی قرمه سبزی می دهد**. بعضی ها هم به این بو شدیداً حساسیت دارند، تا این بو را می شنوند، صاحب سر را سر و ته می کنند.

قرمه سبزی چون سبز است، سر این گونه افراد هم سبز رنگ است. اما این سر سبز را ممکن است زبان سرخ بر یاد بدهد.

در این جور مواقع نباید سر به سر بعضی از افراد گذاشت. فقط می توانید در دلتان آرزو کنید که طرف **سر به تنش نباشد**. مشروطه بر این که آرزویتان را بشود نکنند. این رشته سر دراز دارد. بهتر است دست از سر سر برداریم و به سراغ اعضای دیگر برویم.

## ● ابرو:

سر فقط خودش تنها نیست. اعضای دیگر هم در ترکیب آن دخالت دارند. یکی از آنها ابروست. وظیفه اصلی ابرو این است که نگذارد عرق پیشانی روی صورت آدم بچکد. وظیفه دیگر **ابرو، بالا انداختن و قاب دادن** است. شاعر می فرماید: تو مو می بینی و من پیچش مو/ تو ابرو، من اشارت های ابرو. از نظر این شاعر، وظیفه اصلی ابرو **اشارت های آن** است. تو می خواهی حرفی را بزنی، طرف با ابرویش اشاره می کند که **نگو**، حالا به صرغه نیست.

یکی دیگر از وظایف ابرو- البته در نزد بانوان- **ساختن گمان** از آن و پرتاب کردن **تیر مژه** است تا به قلب کدام عاشق دلخسته اصابت کند.

● **صورت:** ما واقعا نمی دانیم وظیفه اصلی صورت چیست. اگر شما می دانید ما را هم راهنمایی بفرمائید. فقط می دانیم بعضی آن را با سیلی سرخ نگه می دارند.

این عنصر چون بیشتر در معرض دید است، بیشتر هم در معرض تهدید است. **آقایان هر روز با تیغ آن را می تراشند، مگر زمانی که بخواهند در اداره ای گزینش بشوند** که این کار هم بیهوده است چون عده ای قبلاً **گزینش شده اند**.

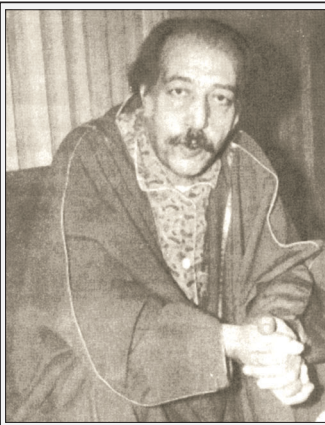
بعضی ها هم ریش می گذارند که بتوانند روزی آن را **گرو بگذارند** چون دستشان تنگ است و چیزی برای **گرو گذاشتن** ندارند. بانوان

بقیه در صفحه؟

# دکتر صدرالدین الهی

# یادداشت های بی تاریخ

## گشاینده راه نو در شعر معاصر فارسی که در آشوب های سیاسی و ناسازگاری های روزنامه نگاری هم زیسته است!



... روزنامه در چاپخانه مصطفوی چاپ می شد. اگرچه مدیر روزنامه ظاهراً دیگری بود ولی همه مطالب آن را فریدون می نوشت با از نظر می گذراند. یادم هست گاهی با او به چاپخانه می رفتم و شگفت این که اغلب ظرف دو یا سه ساعت همه مطالب روزنامه از شعر تا سرمقاله و سایر مسائل روز را شخصاً می نوشت و آن هم با امضاهای مختلف به حروف چینی می داد و وقتی از آن محل بیرون می آمدم روزنامه کاملاً آماده چاپ و انتشار بود.

بنابراین و به شهادت اتفاقی ها و سپس شعرهای پراکنده دیگر، این شاعر با جوهر روزنامه و ناسازگاری های ناشی از طبیعت کار این حرفه در زمانه ما زیسته است.

در یادداشت های این هفته کوشیده ام تا سیمای شاعری را به تصویر درآورم که در عمر پراشوب بعد از شهریور ۲۰ زیسته و سپس با هر موج سیاسی که از راه رسیده و او با آنها سر ناسازگاری داشته خیلی از دشمن علیه خود برانگیخته است.

حقیقت آن است که به نوشته ایرج افشار در ویژه نامه آینده و به مناسبت مرگ توفلی (سال یازدهم شماره ۱۲-۱۱-همین- اسفند ۱۳۶۴) باید به توفلی به صورت استعدادی نگریست که در دست سیاسی و سپس سرخوردگی های سیاسی شکل خاص خود را یافته است.

برای نوشتن این یادداشت ها در حالی که متأسفانه کتاب رها را در اختیار نداشتم و مقولات من از آن به همت حافظه رو به فرسودگی است، از ویژه نامه آینده به ذکرش آمد و نیز کتاب "امید در کام نومیدي" تالیف دکتر مهدی پرهام دوست نزدیک او و کتاب "بررسی طنز در ادبیات و مطبوعات" تالیف نصرت الله نوح و نیز مجموعه اشعار "تافه" و "شگرف" سود بسیار برده ام و بر فراز همه اینها، از همراهی ها و مساعدت های دوست صاحبم دکتر امیر پیشداد که خود از شیفتگان توفلی است و اطلاعات گرانهایی در مورد او و شعرش در اختیارم گذاشت، صمیمانه سپاسگزارم.

اشاره: نیم خرداد ماه امسال مصادف با بیستین سال درگذشت فریدون توفلی بود. نام فریدون توفلی باید اندک اندک از فراسوی حجاب بغض ها و کینه ها بیرون آید و ارزش های ادبی و والای این چهره ناسازگار هم عصر ما شناخته شود. توفلی از نسلی بود که ضرورت نوعی "نوآوری" را در زمینه شعر فارسی به خوبی احساس کرده بود. این نسل که با انتشار "افسانه" نیما یوشیج آغاز قرن شمسی حاضر (۱۳۰۱) به نیما و نحوه نگاه و جوهر فکرش جلب شده بودند بعدها هر کدام راهی را در شعر پیش گرفتند که خواسته و ناخواسته متأثر از طرز نگاه نیما بود.

اساس و فکر این بود که با تغییر سریع زمان و دگرگونی های جهان باید به دوباره سازی شعر فارسی فکر کرد، مضامین، اندیشه ها و حتی شکل این شعر کهنسال را مورد تجدید نظر قرار داد. نیما اعتقادات خود را در این باره که بعدها در کتابی به نام "حرف های همسایه" چاپ شد پراکنده و اینجا و آنجا منتشر می کرد. در همین حال نسیم "شعر نو" فرانسه با نام های "بودلر"، "ورلن"، "رمبو"، "مالارمه" و کمی بعد "والری" از طریق ترجمه های اشعار نان و نیز دکترین های شعر نو یا شعر مدرن در ایران وزیدن گرفته بود.

انتشار "رها" و مقدمه مفصل فریدون توفلی بر نخستین مجموعه شعرش و نیز ارائه تازگی هایی در فکر و فرم سبب شد که توفلی به عنوان گشاینده راه نو در شعر معاصر فارسی مورد توجه قرار گیرد و نسل بزرگی از شاعران سال های آخر ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ عملاً او را به عنوان تئوریسین شعر نو بشناسند و از وی متابعت کنند. اما این توفلی از آن ناسازگارها بود که در بازی های سیاسی سال های ۲۰ با تفصیل و شعرهای طنز آمیزش جبهه ای مشخص داشت و مثل اکثرهمه جوان های همسن و سالش با حزب توده ایران بود. در انشعاب تاریخی حزب، توفلی از حزب توده برید و راه سیاسی را جدا کرد. انتشار "رها" با همه مخالفتی که حزب توده با توفلی داشت نتوانست جلوی اقبال جوان ها را به او و شعرش بگیرد و توفلی تأثیری جدی بر شعر معاصر فارسی از خود به جا گذاشت.

توفلی مانند عشقی و فرخی یزدی و محمد مسعود هم با روزنامه سر و کار داشت و هم شهرت روزنامه ای اش به خاطر اتفاقی ها و طنز گزنده اش بیش از شهرت شاعریش در میان مردم عادی بود. دوستان او از پرکاری شاعر در سال هایی که او در مبارزات سیاسی بوده خاطرات جالبی نقل کرده اند. پرویز خاقتی روزنامه نگاری توفلی را را اینطور توصیف کرده است:

« روزنامه صدای شیر از آن روزها ارگان و محوری بود و برای همه کسانی که در مبارزات ملی شدن نفت، دولت وقت را باری می کردند.

تلفن: ۸۱۸-۷۸۳۷۸۴۹  
دکان ربا و تزویر!

● بیست و هفت سال است که آخوندها دم از قرآن و احکام الهی برای خوشبختی و سعادت مردم می زنند و همه را به خاک سیاه نشانده و آواره کرده اند ولی هنوز به این شیادی ادامه می دهند.

++ حرف و حدیث شما را با این بیت عالی جناب حافظ تکمیل می کنیم که می گوید: جزلب تیره هیچ شد حاصل و هنوز/ باطل در این خیال که اکسیر می کنند.

دوی علی گلایه!

● یکبار دیگر به مقدمات اسلامی توهین کنید خدمتان می رسمیم. ++ بچه کجایی، اقدر شجاعتی! ++

روز ما را می سازید

● چند بار خواسته ام برای شما هدیه بیاورم ولی خیال کردم که نمی پذیرید. واقعا که هر روز ما را شما می سازید.

++ خیلی ممنون ولی یادتان باشد دفعه دیگر شماره حساب بانکی روزنامه را به شما بدهیم که شما هم ما را بسازید!!

من و بانو!

● ننویسید و نگویید: من و خانم! من و عیال! باید گفت: من و همسر! مخصوص که در تداول عام خانم به معنی "فاحشه" هم آمده است و اصطلاح "خانم بیار" و "خانم بازی" هم داریم! بهترین واژه برای (زن) همان (بانو) است.

++ اشاره به جایی است ولی در زبان فارسی حتی تکیه کردن روی یک کلمه اش هم ممکن است معانی خاصی داشته باشد!

به این سیاق: به همسر مهین که همواره گناهان مرا به سایه بخشایش نهاده است. یافت عبارت جذاب بود. گناه را به سایه بخشایش نهادن دلپذیر می نمود و کتاب مقدمه مفصلی داشت که آن روز نخواندم و رفتم سراغ شعرهای کتاب. فکر می کنم شعر سوم کتاب بود که با عطر غروب در هم آمیخت و در جان من آویخت. شعر اینطور شروع می شد:

در نیمه های شامگهان آن زمان که ماه زرد و شگسته می دمد از طرف خاوران  
استاده در سیاهی شب مریم سپید آرام و سر گردان

او مانده تا که از بس دندانه های کوه مهتاب سر کشد کشد از چهره شب نقاب  
بارد بر او فروغ و بشود تن لطیف در نور مهتاب

و مهتاب بالا آمد و نگاه ما در جستجوی مریم سپید از دیوار گچی بلند و سفید خانه، بالا رفت. شعر به آدم حال سر در پی غزال رمیده ای نهادن را، می داد و آرزوی بوسیدن را در دل یک پسر شانزده ساله بیدار می کرد.

مگر می شد با گل، آنهم گل مریم که سالی یکی دو ماه چهره نمایی می کرد، نرد عشق باخت؟ گفته شده بود که این شعر را "ادوارد جی آبربی" مستشرق انگلیسی به عنوان نمونه عالی شعر معاصر فارسی ترجمه کرده است.

پس این شاعر چیزی در حد خیام است که شعرشناس بزرگی به نام "فیتر جرالو" او را به جهانیان شناسانده است. هوا تاریک و تاریک تر شد و مهتاب از بالای پام کاهگلی خانه ما نقاب از چهره شب کشید و مریم سپید در پیش چشم ما، در زیر فروغ آن مشغول شستشوی تن

همسرش تقدیم کرده بود با عباراتی دست داشت به من داد و گفت: این را بخوان به درد تو که دنبال شعر و شاعری هستی، می خورد!

در قصه هدایت جوان چینی والس گریزری را با سوت می زد که من کتاب کوچک را گوشدم. شعرهایی داشت با عناوین و نام هایی که مرسوم نبود بالای شعر بنویسند و شکل شعرها هم شبیه قصیده و غزل و رباعی نبود. برای هر شعری یک نقاشی سیاه قلم کشیده بودند، شبیه تابلویی که می توان با الهام از منظره ای کشید و نام کتاب "رها" بود.

شاعر فریدون توفلی نام داشت که اسمش را به طور پراکنده شنیده بودم و شاعر این کتاب را به همسرش تقدیم کرده بود با عباراتی

بقیه در صفحه؟

شعر معاصر  
بیتن تجدی  
غروب یکشنبه  
خداحافظ، یکشنبه  
خداحافظ، صدای آب، غرور پل  
خداحافظ، پیراهن خیس،  
من روی طناب رخت  
که آفتاب از آستین تومی بارد  
قطره قطره بر سنگفرش حیاط  
از کوچه آوازه خوانی نمی گذرد  
پنداری که هیچ کس عاشق نیست  
ویل  
با شولای شمس تریزی  
راه می رود روی آب  
بوی جمعه می دهد،  
این صلات ظهر یکشنبه  
چيست این امروز  
این اعداد  
بر موقای تقویم دیواری؟  
انگار هنوز هزاره اندوهست  
که راهی قالیچه ها شده اند  
از باغچه ها و گلدان ها،  
گل های اطلسی  
در لیوان بلند آب،  
این من هستم که می خندد  
بر دندان های مصنوعی  
در آینه من بودم با آواز های بلند،  
لته های سرخ  
پرنده ای از طناب رخت  
پیراهن مرا برده ست  
رودخانه مزارستان پل و رویاست  
خداحافظ، غروب یکشنبه

غزل روز  
قادر طهماسبی  
مرا زورق قرار شکست  
رسید ساقی و پیمانای خمار شکست  
چنان که دایره ای بسته را مدار شکست  
در این تلاطم بی صبر و التهاب انگیز  
بریز می که مرا زورق قرار شکست  
ز دست ساقی بالا بلا، نرنجیدم  
به زهر اگر چه مرا روزی خمار شکست  
گرفت دست مرا این بالای شور انگیز  
بدان نشان که سکوتم طلسم وار شکست  
سکوت توبه شکستم به ساغر غزلی  
مگر چکاوک باران ز کوهپایه برید  
چه استخوان به زمین خورد قاتم نخمید  
وگر شکست چو شمشادی استوار شکست

### حرف های روز

۱۸ تیر (تقاب) و یا (کودتای توژه) یک رهبر سیاسی هم دارد و او هم، دکتر مهدی بهار است که هنگام هجوم به خانه اش، با فریب پاسدار محافظش از طرف حیاط منزلشان در (میدان) تهریز او جاده شمیران) گریخته بود و داغ به دل جماعت گذاشت.

دوستی ما و چاپ مقالات دکتر بهار در مجله فردوسی بود بخصوص در سال های (۵۷ و ۵۸) و پیش بینی وضعیت انقلاب در سال های آینده، و تمام وقایع آن از جمله جنگ و سایر قضایا تا یوم الحاضر، در پنج شش مقاله مفصل، انگار به او وحی شده باشد، همه را نوشته بود...

رفت و آمد به خانه او را ماموران زیر کنترل داشتند و بالطبع من به عنوان کسی که بیشترین دیدارها را هر هفته با دکتر بهار داشتم، در لیست آنان بودم که در یکی از روزها گویا ۱۹ یا بیستم تیر سال ۵۹ صبح اول وقت انبوهی از پاسدارها منزلمان را محاصره کردند (که لا بد مثل دکتر بهار فرار نکنم) بعد رنگ خانه امان را به صدا درآوردند...

امام به قدری از این جسارت، معبانی شده بود که گفته بود **کمترین مجازات آنها اعدام است!** یعنی به قدری زجرشان بدهند و اذیت و آزارشان کنند که هزار بار آرزوی مرگ کنند و بمیرند زنده شوند...

این را بازجوی من گفته بود که به واسطه چشم بند او را نمی دیدم، اما همین حرف امام در خانواده ما، فامیل، حساسی یک عزاردی به راه انداخته بود! ما آسوده خیال که نقشی در قیام افسران نداشته ام و به بازجو گفته بودم (پس از مشت و شلاق): من هیچ نمی دانم چه کسانی می خواستند چه بکنند ولی اگر با شکنجه می خواهد اقرار بگیرد اصلا و ابدا اهل قهرمان بازی نیستم و حاضرم بنویسم بنده هم با تیرکمان می خواستم بروم شیشه تکیه جماران را بشکنم و در تونله شرکت داشتم!..

کم کم باورشان می شد چون دیده بودند این زندانی با این جثه نحیف و ظریف نمی تواند چنان دل شیری داشته باشد که از هیچ چیز ترسد، و اعتراف نکند، حتی با مشت و شلاق و دشنام های هرزه!..

با چشم بسته توی اتاق بازجویی بودم... یکی ناگهان در را باز کرد و گفت: تیمسارشون اقرار کرد. تمام! حجت الاسلام محمد محمدی

ریشهی جلا در ارتش چنان با چاقو ضامنار، بینی افسری را بریده بود- او چنان نعره ای از سر درد کشیده بود -که بقیه اسیران را تکان داده بود و **قیام ۱۸ تیر افسران با فاجعه همراه شد.** چنان که همه آتانی که این افسران شجاع ایران را به دام انداخته بودند در سال های بعد یکی پس از دیگری سرنوشته تکیت باری پیدا کردند و به خوری و زاری هلاک شدند.

... در سلول همانظوری که دست زیر سر می گذاری و به جای آسمان و ستاره ها، این خیالات، گذشته هاست که به صورت یک فیلم متداولی پیش چشم می آید و خیلی تند ده سال زندگی را می توانی در عرض چند دقیقه مرور کنی و حتی همه زندگی آینده ات را به صورت فیلم ببینی و بعد از آن را هم یعنی ایستادن در برابر جوخه اعدام (آن هم بی گناه!) در کنار دیگری که در هر حال می خواستند کاری کنند، کارستان!

فرمان آتش، سینه های سوراخ سوراخ شده و بعد تیر خلاص! من حتی تشییع جنازه، هنگام دفن، خودم را نیز می دیدم و یا لاقل با سناریویی که در ذهن خود نوشته بودم! **بازجو گفت: جثه پهلوان بازی در نیار، بگو غیراز دکتر بهار دیگه چه کسانی باهاتش بودند و می خواستند کودتا کنند!...**

**دکتر مهدی بهار، استاد و دوست عزیز من،** بهترین پزشک اطفال دوران جوانی ما در تهران بود و این حقاقت او آن هم در مورد عزیزان و نور چشمان خانواده های طبقات بالا، موجب شده بود که چون سپری او را از بلا یا حفظ کند. تندی های مقالات سیاسی او، انتقاداتش از وضع موجود در نظام گذشته، مقالات تکان دهنده اش و بعد کتاب بزرگ او "میراث خوار استثمار" آنها خیال می کردند که قیام افسران

### یادداشت های بی تاریخ

لطیف خود شد. بوی تن مریم در جان ما دمید و فکر کردیم این مریم حتما آن گل سفید نیست، مریمی دیگر است، ظریف و زیبا و دلفریب. چند تا مریم می شناختیم؟ بجز حضرت مریم با آن هاله نور و آن لیخند غمگین و لب های باریک قیطانی، بی بی، عمه بزرگ ما هم اسمش مریم بود. پیرزنی که هاله، که نه خود نور، از چهره شسته وضو گرفته بر سر سجاده نشسته اش، به آسمان تفت می کشید.

اما مریم رها، مریم توللی از جنس این دو مریم نبود. وسوسه برهنگیش شب تابستان ما را پر می کرد. حتما زنی بود... حتما سال های دراز از آن شب گذشت. یک روز در ضمن صحبت با نادرپور تخیل آن سال های گرم بلوغ را در میان گذاشتیم.

نادرپور نگاهی با تعمق به ما انداخت و گفت: - یعنی شما نمی دانید؟ - چه چیز را؟ - که مریم توللی برای چه کسی ساخته است؟

و چون جواب نفی ما را شنید، با قاطعیتی که از سر یقین برمی خاست، گفت: - آقای دکتر! توللی این شعر را برای مریم فیروز ساخته بود. - همین مریم فیروز همسر کیانوری؟

- بله، شما نمی دانید که این شاهزاده خانم در سال هایی که این شعر ساخته شد، چه آفتی بود، چه لعبتی بود؟ و من دوباره به یاد آوردم پیشانی نبشت کتاب رها را!

به همسر همین که همواره گناهان مرا به سایه بخشایش نهاده است.

### ناسازگاری های

**سیاسی و ادبی شاعر**  
ناسازگاری فریدون توللی با حزب توده ایران از زمان انشعاب بزرگ آغاز شد. در این انشعاب فریدون که صدای بلند طنز و شعر آن روز او نه در شیراز که در سراسر ایران طنین افکن بود، همراه با خلیل ملکی، انور خامه ای، جلال آل احمد، رسول پرویزی، مهدی پرهام، رحمت الهی، ابراهیم گلستان، حمید سپهر و گروهی دیگر از حزب انشعاب کردند. انشعاب هنگامی رخ داد که در کنگره حزب میان هواداران پیروی بدون قید و شرط از دستورات و رهنمودهای "برادر بزرگ" و جوانانی که از راه ایران دوستی در پی یافتن راه نجاتی برای ایران استعمار زده بودند، اختلاف اساسی بروز کرد. توللی با نوشتن چند قطعه انتقاصی از حزب برید و شعر شکرانه ای را در این باب سرود. شعر را یکی از همزمان فریدون با توضیحات جالبی برای من ارسال داشته است که عینا چاپ می کنم.

### شکرانه

المنه لله که از این شبعده جستیم جستیم و ز هم رشته زویر گسستیم وان بُت آکه به ما آیه تعظیم همی خواند از بتکده کندی و فکندی و شکستیم آن وسوسه دیدیم و از آن حلقه بریدیم آن سفسله خواندیم و از آن دمدمه رستیم رندان ۲ به ملامت دل ما ییهده خستند ما لب نکشودیم و نگفتیم و نخستیم گر زان که ملا متکر ما شیوه دگر کرد ما کوه صفت بر سر آن شیوه نستیم آنان نه چنانند که بودند و نمودند ما ئیم که همواره همایم که هستیم دانی ز چه ما بی گنه از چشم فتادیم؟ زان روی فتادیم که گلبانگ نیستیم خاموشی ما زاده بی بال و پری نیست ما نیز اگر پای دهد صاحب دستیم روزی که کشد دست فلک پرده از این راز

تجدد طلبی اش نام دختر اولش را نیما گذاشته است. **گذر از کوچه انقلاب!** فصل جانماز آب کشیدن برای این بنده دیری است که سپری شده است. بارها گفته و نوشته ام که من از انقلاب به هر رنگ و شکل و بو و طعمی متنفرم. اما باید به یاد هم داشت که حتی بسیاری از دست راستی ترین آدم های دنیای سیاست نیز، در روزگار جوانی از کوچه انقلاب گذر کرده اند. از نظر من در همان زمان که "رها" را خواندم، ضعیف ترین شعر آن، شعر "فردای انقلاب" بود. اما دوستان آن سال های ما همه شعرا را یک شاهکار ادبی تلقی می کردند. اشکالی هم نداشت همه در بوق انقلاب می دیدند و به نظر می رسد که فریدون توللی تحت تاثیر خواننده ها و تلقینات حزبی انقلاب را چاره درد می دانست حتی اگر در فردای انقلاب به قول خودش نیما ای او- دختر بزرگش- در پی او در میان کشتگان انقلاب بگردد. شعر فردای انقلاب در آن روزگار ناسازگاری با شعر دلپذیر همسن و سال های او و نسل های بعد از او بود. شعر را با ضرب و آهنگ کوبنده ای ساخته بود که در شعر فارسی کمتر نظیری دارد و جان می داد برای آنکه مارش نظامی شود. دو بند آن را به یاد دارم:

**شیرور انقلاب / پر جوش و پر خروش از نقطه های دور / می آیدم به گوش می گیرم فرار می بخشم امید می آردم به هوش فردای جنبش است / هنگامه نبرد غوغای رستخیز / روز قیام مرد جان می پرد ز شوق خون می چکد ز چشم دل می تپد ز درد.**

"رفقا" این را بهترین شعر فریدون می دانستند و درباره ای تبلیغ می کردند. شاید خود او، این ناسازگار

خوش صحبت تندخو نیز تا سال های سال فکر می کرد که انقلاب چاره درد است. آن شاعری که هیچ گاه سر خم نمی کرد شعر انقلابی سرودن شگفت نیست اما...

شگفت آن است که دست تقدیر او را زنده نگهداشت تا انقلاب شکوهمند رخ داد. یکی از دوستان صاحب دل که در تهران به سر می برد، چندی پیش برای من شعری فرستاد از آخرین شعرهای فریدون توللی به خط خود او و به تاریخ تیرماه ۱۳۵۸ یعنی تقریبا شش ماه بعد از انقلاب. این شعر را که نمی دانم تاکنون به چاپ رسیده یا نه، در اینجا می آورم. شعری که نگاه ناسازگار او را به انقلاب اسلامی نشان می دهد. شعری که طنز همیشگی فریدون در آن است. فریاد خشم او از انقلاب در واژه واژه شعر جاری است و حسن ختام آن بی مانند است. شعر "برهنه دوش" نام دارد و اینطور شروع می شود:

**فغان که بر در میخانه، شور و جوشی نیست! خمار تشنه لبی جام میفروشی نیست! چه رفته بر سر آن انقلاب رفته به باد؟ که در نهاد دل افسردگان، خروشی نیست! پیاله بر خم و پرهیزگار صومعه، مست ولی به غمزه ساقی، پیاله نوشی نیست! چنین که قصه ز تاریخ بوذر است و بلال دگر حکایت پرویز و داروشی نیست! حدیث حق نتوان گفت، بی شکنجه هنوز که در ولایت ما، گوش حق نوشی نیست! به فقرا بردت این جمود فکرت خام ثبوت مسئله، محتاج عقل و هوشی نیست! سمند سرکش آن سهوسار دولت و بخت چه شد که روز بلا، دام خرقه بوشی نیست! زیم خانه، از آن خواندنت به شور نخست به دام "مفسد فی الارض" رفته داند و بس که وعده هست و بر آن خوان وعده نوشی نیست طریق یخته دلان گیر، زانکه نعمت و کام هماره، بهر هر خام هرزه کوشی نیست! شهادت از تو و آسوده زیستن ز امام؟! عجب که از تو عجتبر دراز کوشی نیست**

ادامه دارد

**ولی پرودیوسی**  
درد و شنبه رسید او سیمی ولی

**VALLEY PRODUCE MARKET**

**SIMI VALLEY**  
1117 E. Los Angeles Ave (At First St.) 805-583-2300  
Mon-Sat 9-9; Sun 9-6

**RESEDA**  
18345 Vanowen (At Reseda Blvd.) 818-609-1955  
Mon-Sat 9-7; Sun 9-5

Jalapeño, Yellow Chili, Serrano, Anaheim, Pasilla Limit 10 lbs <b>39¢</b> lb.	Russet Potato 10lb Bag Limit 2 Bags <b>49¢</b> ea.	Iceberg Lettuce Limit 4 <b>4 FOR \$1</b>	Corn on the Cob Limit 12 <b>4 FOR \$1</b>
Case of Mangos Limit 2 Cases <b>\$2.99</b> Per Case	Peaches 4 lbs. <b>4 FOR \$1</b>	Nectarines 4 lbs. <b>4 FOR \$1</b>	Watermelon <b>15¢</b> lb.
Green Seedless Grapes Limit 2 Dozen <b>59¢</b> lb.	Extra Large Eggs Limit 2 Dozen <b>79¢</b> Dozen	SERVICE DELI Smoked Ham <b>\$1.29</b>	SERVICE DELI Sliced Turkey Limit 4 lb. <b>\$1.49</b> lb.
Beef Tenderloin 10 lb. Limit <b>\$4.99</b> lb.	Extra Lean Shoulder Clod Meat 10 lb. Limit <b>\$1.49</b> lb.	Ground Beef 10 lb. Limit <b>99¢</b> lb.	Brown Onion 10 lb. Limit <b>10 LBS FOR \$1</b>
Cilantro, Radish, Green Onion, American Or Italian Parsley Limit 20 Ea. <b>10 FOR \$1</b>	Oranges Limit 20 lbs. <b>10 LBS \$1</b>	Persian Cucumber 4 LBS FOR <b>\$1</b>	Limes Limit 20 <b>20 FOR \$1</b>

خوش صحبت تندخو نیز تا سال های سال فکر می کرد که انقلاب چاره درد است. آن شاعری که هیچ گاه سر خم نمی کرد شعر انقلابی سرودن شگفت نیست اما...

شگفت آن است که دست تقدیر او را زنده نگهداشت تا انقلاب شکوهمند رخ داد. یکی از دوستان صاحب دل که در تهران به سر می برد، چندی پیش برای من شعری فرستاد از آخرین شعرهای فریدون توللی به خط خود او و به تاریخ تیرماه ۱۳۵۸ یعنی تقریبا شش ماه بعد از انقلاب. این شعر را که نمی دانم تاکنون به چاپ رسیده یا نه، در اینجا می آورم. شعری که نگاه ناسازگار او را به انقلاب اسلامی نشان می دهد. شعری که طنز همیشگی فریدون در آن است. فریاد خشم او از انقلاب در واژه واژه شعر جاری است و حسن ختام آن بی مانند است. شعر "برهنه دوش" نام دارد و اینطور شروع می شود:

**فغان که بر در میخانه، شور و جوشی نیست! خمار تشنه لبی جام میفروشی نیست! چه رفته بر سر آن انقلاب رفته به باد؟ که در نهاد دل افسردگان، خروشی نیست! پیاله بر خم و پرهیزگار صومعه، مست ولی به غمزه ساقی، پیاله نوشی نیست! چنین که قصه ز تاریخ بوذر است و بلال دگر حکایت پرویز و داروشی نیست! حدیث حق نتوان گفت، بی شکنجه هنوز که در ولایت ما، گوش حق نوشی نیست! به فقرا بردت این جمود فکرت خام ثبوت مسئله، محتاج عقل و هوشی نیست! سمند سرکش آن سهوسار دولت و بخت چه شد که روز بلا، دام خرقه بوشی نیست! زیم خانه، از آن خواندنت به شور نخست به دام "مفسد فی الارض" رفته داند و بس که وعده هست و بر آن خوان وعده نوشی نیست طریق یخته دلان گیر، زانکه نعمت و کام هماره، بهر هر خام هرزه کوشی نیست! شهادت از تو و آسوده زیستن ز امام؟! عجب که از تو عجتبر دراز کوشی نیست**

ادامه دارد

**در دفتر ایام**

برای ندیدن می توان چشم ها را بست برای بستن ذهن اما چه می توان کرد؟! عجبا که همین ذهن خسته و وامانده مرا بر می گرداند به شعری از «تقی رفعت» از یاران «محمد خیابانی» شعری مربوط به سالیان دراز دور. شعری که در ذهنم جان می گیرد. چشم می کشایم و خطاب به عکس اکبر گنجی که دراز به دراز، لاغر و تکیده، روی تختخواب زندان دراز کشیده و در عشق آزادی، دل به مرگ نهاده می گویم:

بر خیز و باز راست کن آن قد نهمتن  
بر خیز و چون کمان که بهزه کرد شست زلال  
پرتاب کن به جانب فرات جان تن...  
عجولانه انگشتر را روی «موس» فشار می دهم و «کلیک» می کنم تا چشم عکس های گنجی را ببیند. طاقت ندارم، دلم چون دل شیخ از سنگ خارا و آهن و چدن که نیست. دل آدمی است نه چون دل شیخ، دل گرگی گرسنه...

در روزنامه اینترنتی «روز» شعری که سیمین بهیانی برای اکبر گنجی سروده چاپ شده است:

ای کاش می توانستم  
تا گل برات بفرستم  
یا بهره روزه داری هات  
نقل و نبات بفرستم  
شوریده وار امشب را  
با واژه عشق می ورزم  
تا با دمیدن خورشید  
شعری سزات بفرستم  
ای کودکی که دیروزت  
موقوف نی سواران شد  
اکنون که مرد میدانی  
اسب و قبات بفرستم  
ابلیس را ز خود راندی  
از دل غبار افشاندی  
پاداش این دل آگاهی  
شکر و نبات بفرستم  
ای کاش می توانستم  
بر عمر تو یغزایم  
سویت ز اشک خود جامی

آب حیات بفرستم  
ای کاش می توانستم  
شعری به خون کنم امضا  
در تنگنای زندان  
حکم نجات بفرستم  
این ناگشوده در بر تو  
روزی گشاده خواهد شد  
خوش امیدی باقم  
تا پیش پات بفرستم...

قبول می کنم و می پذیرم که درهای بسته به روی مردم ایران، دیر یا زود گشوده خواهد شد. می پذیرم و قبول می کنم که:

بوم و بر ما که نامش آن ایران  
مجروح میان آتش و نوفان است  
فتوس صفت دوباره بر خواهد خاست  
صد بار نشان داده است که جاویدان است...  
این مژده را هزار ندانی هست، من قول «مهدی اخوان ثالث» را قبول ندارم که می گفت:

ای درختان عقیم ریشه تان در خاک  
های هرگی مستور ا یک جوانه ی  
ارجمند از هیچ جان رست نواندا.  
نه «مهدی» امید باخته بود. در همین آمریکا من هزاران جوانه بر درخت کهنسال فرهنگ ایران می بینم... جوانه هایی که هرگز ریشه اشان در «خاک های هرگی» مستور نشده است. نمونه می خواهید؟ جوانی به نام «کیوان مشایخ»! کیوان از مادر و پدری ایرانی زاده شده، بسیار نوجوان بوده که به آمریکا آمده . شاید از ایران، جز یاد پدر بزرگ مهربان، که شب ها برای او قصه می گفت، چیزی در خاطر ندارد. او فیلمی ساخته است در رابطه با «خیام»! فیلم او در واقع تماشاچی را به سفری دور و دراز می برد تا نشان دهد که ما ایرانیان در زمان های دور از چه فرهنگ و علم و دانشی برخوردار بودیم. زمانی که جهان در جهات غرق بود، ما علم نجوم می دانستیم، تاریخ و گردش ایام و تقویمی آنگنان دقیق بوجود می آوردیم. ما همه چیز بودیم و امروز باید بیاندیشیم که چرا از آن نخواهد مرد؟!

بزرگی ها به این ذلت ها فرود آمده  
ایم، در غلیبده ایم...  
کیوان مشایخ که ایران را ندیده  
است، به یاد ندارد، از کجا خیام را می شناسد؟! از قصه های بابابزرگ! به هنگام شب های سرد و طولانی زمستان مشهد...

این چنین است که ایران می ماند... این چنین است که ایران ماندگار است...

فقط کیوان مشایخ جوان نیست. دوستی دارم که ماهی یک بار به دیدنش می روم تا از تجربیات او غیبتی به دست آورم. ظاهرا غیرسیاسی است. به شکرانه دانش و معلوماتش، نیاز مالی هم ندارد، اما آرام و قرار هم ندارد. چرا؟! دائم فریادش بلند است:

امان از خویش را بی خانه دیدن  
خود اندر خانه یگانه دیدن...  
سپس یگانه بی خانمان را  
به جای خویش صاحبخانه دیدن...  
کلامش ظاهرا سیاسی نیست اما هر اهل جنجال و خودنمائی نیست... از «مهندس نصری» سخن می گویم که مشغول نگارش کتابی درباره ایران از دیروز نه چندان دور تا امروز ناپیدا آفق است...

آن جوان ایرانی که از خیام می سازد... یکی و دو تا و ده تا نیستند که نام ببرم. ایران یاراند پراکنده در سراسر جهان و آرامش ماندگان اسیر در حصار رژیم... هر دو نیمه یک ملت به یک سرزمین اهورائی می اندیشند، به ایران!

این میانه سال ایرانی که از ایران می نویسد... آن از اکبر گنجی و گنجی ها در داخل ایران...  
این از پهلوان های بی قرار در همه زمینه ها در خارج ایران...  
حالا باور می کنید که ایران هرگز نخواهد مرد؟!

**سر و کله و چهره؟!**

محترمه هم به این عضو علاقه خاصی دارند و مرتب به آن می رسند. اگر شهرداری تهران نمی تواند چاله خیابان ها را پر کند، اینها می توانند به راحتی با بتونه کاری، چاله چوله های مورد نظر را از دیده محو کنند.

این عضو حکم فرودگاه را هم دارد. گاهی بوسه بر آن فرود می آید و گاهی سیلی و کشیده، آن هم از نوع آبدارش.

● گوش: وظیفه اصلی عضو یاد شده، عمل شنیدن است که نیازی به توضیح ندارد. بعضی از افراد با گذاشتن پنبه یا چپاندن چوب پنبه در آن، مانع این وظیفه اصلی می شوند، مخصوصا در برابر حرفی که حق باشد.

وظیفه دوم این عضو، نگه داشتن دسته عینک است. گوش ها بدین وسیله در امر دیدن به چشم کمک می کنند که از ایشان کمال تشکر را داریم.

بعضی از افراد هم، به ویژه آموزگاران آن را با دستگیره اشتباه می گیرند و هم گوش دانش آموزان را می گیرند و یا دو دستی آنها را از روی صندلی بلند می کنند.

یکی دیگر از وظایف گوش، نگه داشتن مداد است. مخصوصا در کارگاه نجاری.

بعضی ها هم با این که بدهی زیادی دارند، گوششان به این چیزها بدهکار نیست.

● چشم: همانطور که واضح و مبرهن است، وظیفه اصلی چشم، دیدن است. چشم، خود را از گوش برتر می داند و می گوید: شنیدن کی بود مانند دیدن! به نظر ما این هر دو عضو مظلوم واقع شده اند، چون نه حرف و خبر خوبی برای شنیدن هست و نه منظره خوبی برای دیدن.

وظیفه دوم چشم، گریه کردن است. این وظیفه ثانویه در پیشبرد کار، موثر است. آدم به جای این که زل زل نگاه کند، بهتر است زار زار گریه کند.

خانم ها از این وظیفه دوم به نحو احسن استفاده می کنند و کارشان هم پیش می رود.

عده ای هم نشانشان را از راه آب در می آورند. به این صورت که به عنوان گریه کن حرفه ای استخدام می شوند و می روند در مجلس ختم و عزاداری گریه می کنند و دستمزدی می گیرند. علی ایحال بهتر است به آنها بگوئیم: اشک به مزدا! بهتر از بیکاری است. گاهی هم چشم کار زبان را انجام می دهد و با یک چشمک می گویند که ترتیبی بدهید که فلانی ترتیبش داده شود.

همانطور که قبلا اشاره شد چشم از طریق عینک با گوش رابطه تنگاتنگی دارد. با این حال آدم گاهی به چشمش هم اعتماد نمی کند. سهراب سپهری می گوید:

چشم ها را باید شست / جور دیگر باید دید.

شاعر توضیح نداده که چشم ها را با چه محلولی باید شست.

بعضی اوقات هم چشم ها جا خالی می دهند. به این صورت که یک نفر کاری را انجام می دهد، اما دودش به چشم دیگران می رود.

● دماغ: وظیفه اصلی دماغ بوئیدن است. وظیفه فرعی آن قفن است (یعنی فین کردن!) از وظایف فرعی دیگر آن نگه داشتن عینک و کمک به چشم است. چشم باید خیلی از گوش و بینی ممنون باشد که یک عمر مفت و مجانی عینکش را حمل می کند.

بعضی از لغت شناسان عقیده دارند دماغ را بدان علت «بینی» نامیده اند که زودتر از هر عضوی در صورت به دیده می آید، به ویژه اگر با برکت هم باشد.

خالق هستی وقتی دماغ را خلق می کرده گویی شیطان لعین آمده و دستش را خط زده است. به همین دلیل بعضی از دماغ ها طبق استاندارد ساخته نشده است. عده ای از آقایان با گذاشتن سیل های پریش تا حدی توانسته اند بینی خود را متعادل کنند. اما این میان خانم ها چه گناهی کرده اند که نمی توانند سبیل بگذارند. البته نگرانی آنها هم برطرف شده است. عده ای شغلشان ویراستاری خطاهای خلقت (به زعم خودشان) است. نه تنها خانم ها، بلکه آقایان هم به این ویراستاری علاقمند شده اند. مخصوصا آقایانی که سبیلشان هم دود داده شده است.

سابق بر این دماغ دراز نشانه مردی و مردانگی بود. اما بیشتر مردان گندم نمای جو فروش بودند و به همین دلیل ترجیح دادند دماغشان را به دست ویراستاری بسپارند تا دیگر کسی از آنها توقع بیجا نداشته باشد. بعضی هم فریب دماغ بینوایی را می خوردند و نمی دانند که این یک پیشرفت کاذب است.

**آرایشگاه علی درولی**  
۲۴۰۰ - ۳۴۴ (۸۱۸)

**رستوران حاتم میشن ویهو**  
0122 768 (949)  
24000 Alicia Parkway, #28

**پنیر صددر صد بدون چربی و کلسترول**  
فرآورده جدیدی از شرکت صدف که مدتی نایاب بود به بازار رسید

**پنیر بدون کلسترول**  
از هزاران سال قبل پنیر فتا (Feta Cheese) محصور کشور افسانه ای یونان به دلیل طعم بی نظیر و خواص تغذیه ای منحصر به فرد خود مورد توجه جوامع مختلف بوده است. تولید و مصرف این فرآورده غذایی به نحو چشمگیری ریشه در فرهنگ اصیل این کشور دارد و برخی قدمت آن را با خود فرهنگ یونانی قابل مقایسه می دانند.

**محصول جدید:**  
پنیر فتا در ابتدا منحصر از شیر بز و گوسفند تهیه می شده است. به هر حال امروزه پایای با پیشرفت تکنولوژی در صنایع غذایی از یک سو از شیر گاو نیز برای تهیه آن استفاده می شود و از نظر میزان و نوع چربی اصلا می شود تا نیازمندی های تغذیه ای جوامع امروزی را تامین نماید.

پنیر فتای بدون کلسترول همانگونه که از نام آن پیداست فاقد کلسترول بوده و از این نظر بسیار مورد توجه کارشناسان پزشکی و امور تغذیه ای قرار گرفته است. این پنیر کاملا طبیعی و بدون هورمون بوده و از نظر خواص تغذیه ای کاملا با دیگر انواع پنیر فتا قابل مقایسه است.

به هر حال فقدان کلسترول در آن موجب می شود که مبتلایان به بیماری های قلبی-عروقی یا افراد در معرض خطر این بیماری ها نیز بتوانند از خواص تغذیه ای آن بهره مند شوند.

در فرآیند تولید این پنیر بی همتا با استفاده از روش های جدید تکنولوژیک چربی های حیوانی حاوی کلسترول از پنیر گرفته شده و در عوض چربی های گیاهی به آن افزوده می شود. از این طریق ضمن حفظ طعم پنیر از مضرات احتمالی مصرف کلسترول جلوگیری می شود.

با توجه به این حقایق سازمان غذا و داروی آمریکا (FDA) برای اولین بار اجازه واردات این پنیر را از یونان به آمریکا صادر نموده است. پنیر فتای بدون کلسترول علاوه بر آن که می تواند به تنهایی مورد مصرف تمام گروه های سنی قرار گیرد به نحو گسترده ای به غذاهای دیگر از جمله انواع سالادها، پیترز و پاستا افزوده می شود.

**انتخاب صدف، انتخاب بهترین هاست**  
و افتخار ما، اعتماد ۲۲ ساله شما به محصولات صدف بعنوان بهترین هاست

**EXPERT AUTO BODY CENTER**

**بعد از تصادف نگران نباشید!**

متخصصین برجسته ما اتومبیل شما را مثل روز اول تحویلتان خواهند داد

**مزایای استثنایی مراجع به اتوبادی سنتر**

در صورت داشتن بیمه کامل اتومبیل رایگان  
در اختیارتان میگذاریم ، اتومبیل شما مجاناً  
از محل تصادف به تعمیرگاه انتقال می‌یابد ،  
تخصیص مخصوص برای هموطنان عزیز

کارگاههای ما به اطاق رنگ با امکانات ویژه فنی و  
دستگاههای کامپیوتری برای شاسی کشی مجهز است

**EXPERT AUTO BODY CENTRE**  
Tel: (818) 786 - 8400  
Fax: (818) 786 - 5218  
14326 Oxnard St. Van Nuys CA91401

**مرکز خدمات گالکسی**

امور مهاجرت ، اقامت ، سیتیزن شپ و پاسپورت سفید  
گذرنامه و شناسنامه ایرانی، وکالتنامه و وصیتنامه  
دعوتنامه ، تصدیق امضا و شهادتنامه  
ترجمه رسمی و تأیید اسناد و مدارک

مدیریت امیر تکابیان

تلفن : ۰۰۹۹-۹۰۶-۹۱۸ (۸۱۸)  
فکس : ۵۹۵۴-۷۸۴-۸۱۸ (۸۱۸)

15928 Ventura Blvd, # 201-Encino, CA91436

**آرتزیا مارکت**

مرکز پخش گوشت حلال ، مواد غذایی

2322 ARTESIA BLVD  
Redondo Beach, CA 90278  
(310) 376-0043

**استخدام**

به یک قصاب کوش نیازمندیم

(818)633-9745

**پرده مولن روژ**

زیباترین پرده‌ها با ارزاترین قیمت  
دوخت و نصب پرده، روتختی، کوسن  
و تعمیر انواع لباس

818-633-4383

**شعبات نشیرونی سرا در لس آنجلس**

سفارشات شما را  
برای تهیه انواع شیرینیجات  
جهت جشنها، عروسی‌ها  
و... میپذیرد.

رسیدا	انسنینو	سانتامونیکا بلوار
(818)996-5104 6900 Reseda Blvd	(818) 757-1248 18000 Ventura Blvd	(310)207-7120 12231 Santa Monica Blvd

**فروش وسایل منزل**

به علت تغییر مکان وسایل اطاق خواب، پذیرایی، نهارخوری، تلویزیون، تابلو، یخچال، آشپزخانه و وسایل الکترونیکی به فروش می‌رسد.

۳۴۰-۳۵۶۶ (۸۱۸)

**فروش وسایل منزل**

به علت تغییر مکان وسایل اطاق خواب، پذیرایی، نهارخوری، تلویزیون، تابلو، یخچال، آشپزخانه و وسایل الکترونیکی به فروش می‌رسد.

۳۴۰-۳۵۶۶ (۸۱۸)

**فروش وسایل منزل**

به علت تغییر مکان وسایل اطاق خواب، پذیرایی، نهارخوری، تلویزیون، تابلو، یخچال، آشپزخانه و وسایل الکترونیکی به فروش می‌رسد.

۳۴۰-۳۵۶۶ (۸۱۸)

**Q Market**

انواع غذاهای ایرانی خانگی، گوشت، مرغ موجود است

عرضه کننده تازه ترین مواد غذایی و خواروبار، گوشت، مرغ و ماهی با قیمت های باورنکردنی و غیر قابل رقابت

**کیومارکت "درزیریک سقف"**

هر آنچه نیاز دارید گرد آورده است

انواع غذاهای آماده طبخ موجود است  
فوداستمپ و کردیت کارت پذیرفته میشود

17261 Vanowen St.  
(818)345-4251

**استخدام**

به یک راننده بطور تمام وقت و با نیمه وقت  
با داشتن اتومبیل و بیمه کامل برای کاردر  
یک کلینیک رادیولوژی در لس آنجلس  
نیازمندیم. با آقای مایک تماس بگیرید

۵۸۰۰-۸۴۲-۲۲۳ (۳۲۳)

**اجاره آپارتمان**

با برق و گاز رایگان  
آپارتمان های زیبا و لوکس در  
بهترین منطقه هانلتون  
یک خوابه با اجاق و یخچال،  
پارکینگ دردار و استخر و  
دستگاه های رختشویی مدرن

۹۹ دلار دیپازیت

قیمت ماهیانه ۱۰۵۰ دلار  
برای صدق این گفتار ما ، از این  
آپارتمان ها دیدن کنید

۶۳۱۰ - ۶۴۴ - (۳۱۰)

**فروشی سالن آرایش**

سالن آرایش و بیوتی سولای در  
بهترین منطقه نزدیک تولکلیک  
دارای ۱۴ استیشن ماینیکور، اطاق  
گرفتن فن، وکسینگ و فیشال و  
ماساژ فقط ۱۵۰ هزار دلار بفروشی می  
رسد.

۵۴۵۵-۹۹۳-۸۱۸ (۸۱۸)

**فروش مغازه ۹۹ سنتی**

یک مغازه ۹۹ سنتی در یک شاپینگ  
سنتر سلوگ در نورت هالیوود به مبلغ  
۵۹ هزار دلار با کلیه وسایل به فروش  
می‌رسد.

۵۴۵۴-۹۹۳-۸۱۸ (۸۱۸)

**منزل برای فروش**

خانه ای زیبا و ایرانی بسند، سه خوابه، دو  
حمام، دو فایر پلس، پذیرایی و محل  
حمام، استخر با تجهیزات کامل تا نو به  
مساحت ۲۰۲۵ اسکوئیت و ۹۵۱۷  
اسکوئیت زمین مسطح در بهترین منطقه  
وولند هیلز (کارتون ترانس) به مبلغ ۸۱۹  
هزار دلار به فروش می‌رسد.

۲۷۴۵-۵۸۵-۸۱۸ (۸۱۸)  
۴۶۶۸-۳۴۶-۸۱۸ (۸۱۸)

**فروش وسایل منزل**

به علت تغییر مکان وسایل اطاق خواب، پذیرایی، نهارخوری، تلویزیون، تابلو، یخچال، آشپزخانه و وسایل الکترونیکی به فروش می‌رسد.

۳۴۰-۳۵۶۶ (۸۱۸)

**استخدام**

یک بانوی ایرانی برای نگهداری  
از یک نوزاد و یک کودک ۲ ساله  
در منطقه لانگ بیج بطور تمام  
نیازمندیم

۰۲۴۲-۵۴۷-۵۶۲ (۵۶۲)

**استخدام**

یک کمپانی وارد کننده میلمان در منطقه  
ولی نیازی یک بانوی منشی که تسلط  
کامل به زبان انگلیسی و انجام امور  
کامپیوتری داشته باشد، دارد

۰۰۲۶-۹۹۹-۸۱۸ (۸۱۸)

**پذیرائی باغذای گرم**

سانی دیگر از فرزندان دلبند شما سان ۹  
سالگی در شهر پورتلند بین الیبیک و ییکو  
باغذای گرم همه روزه نگهداری می‌کند

۶۲۶۴-۴۷۸-۳۱۰ (۳۱۰)  
۸۸۵۴-۹۲۶-۳۱۰ (۳۱۰)

**رومیت**

دریک تاون هاوس دواطاق خوابه  
به یک و یاد و نقر رومیت  
غیر سیگاری نیازمندم

۰۷۷۲-۸۰۴-۸۱۸ (۸۱۸)



**بوسه تقدیر**

نوشته  
فریده شجاعی

نماید، بود اما مشخص بود که آن روز هوا مثل روزهای قبل صاف نیست، با نگاه کردن به آسمان سبوم را ننگان دادم و با خود فکر کردم: عجیب این همه روز هوا خوب بود حالا امشب که باید صاف باشد دلش گرفته. آخر اگر باران بیاد تکلیف صندلی‌هایی که قرار است داخل حیاط چیده بشه چی؟

قرار بود مراسم مرده تان داخل حیاط برگزار شود و مراسم زتانه نیز داخل حال و اتان پذیرایی باشد و اینطور به نظر خیلی خوب می‌رسید زیرا صدای لرگستر با یک بلندگو راحت به مجلس زنهان می‌رسید. اما اگر آن شب باران می‌بارید به احتمال زیاد مجلس مرده تان در منزل یکی از همسایگانمان برگزار می‌شد و در این صورت باید با همان استرئو، فگنسی نوید که صدایش از تان چاه در می‌آمد و با این وجود خیلی هم به آن می‌نارید آن شب را می‌گذرانیدم.

وقتی به مدرسه رسیدم متوجه شدم از تشکیل صف و مراسم صبحگاهی خبری نیست، یکرسمت به کلاس رفتم، بنیاد دیدم که کتاب ادبیات را جلوبیش گذاشته و با اولیغ مشغول خواندن می‌باشد. او متوجه ورود من شده بود. با اشاره سر با چند تا از بچه‌ها سلام و احوالپرسی کردم و سپس به طرف بنیاد رفتم، خم شدم و آهسته زیر گوشش گفتم:

ای دوست شکر بهتر یا آنکه شکر سازد؟

بنیاد سرش را بلند کرد و با دیدنم خندید. آره خانم همون شکر ساز و قمر ساز شما مگه به دانه من برسم. تو که کیفیت کر که.

کیفم را زیر میز گذاشتم و در حالی سر جایم می‌نشستم به سوخی گفتم: بنیاد جون می‌خود تقصیر من ننداز سر و نه دندار من و شهاب و برنو سه یا چهار ساعت پیشتر نبود، نه ماه از سیال و ول گزری یک دیسک باید درست رو می‌خوندی؟ اونم چی؟ ادبیات. زبان هانری؟

بنیاد با آرنج به پهلو می‌زد و گفت: من این حرفها حالیم نیست. حالا خودم یا نخوندم تو امروز از پیش من جنم نمی‌خوری؟

خندیدم و نه نشانه موافقت سرم را ننگان دادم. بنیاد که خیالش از بابت امتحان

راحت شده بود کتابش را بست و در حالی که دهنش را باز می‌کرد و آماده نوشتن می‌شد گفت: محراب حالا این شعری رو که خونیدی کامل بخون می‌خوام بنویسم.

می‌دانستم که بنیاد به شعر خیلی علاقه دارد و دفتری دارد که هرگاه شعری به نظرش جالب می‌رسید آن را می‌نوشت با این حال نمی‌دانستم که چرا ادبیاتش نسبت به درسهایی دیگرش اینقدر ضعیف است.

بنیاد من تمام شعر را حفظ نیستیم.

«عجب نذره همون قدر که بلدی بخون. اما اون بگو شعر مال کدوم شاعره؟»

فکرم می‌کنم حال مولانا است.

«از آهنگ شعر خیلی خوشم آمد.

«نوش جونته»

آرنجم را به میز گذاختم و سرم را روی دستم گذاشتم و شروع کردم به خواندن شعر. بنیاد هم خیلی سریع شعر را می‌نوشت.

ای دوست شکر بهتر یا آنکه شکر سازد؟

خوبی قمر بهتر، یا آنکه قمر سازد؟

ای باغ تویی خوشتر، یا گلشن و گل در تو؟

یا آنکه برآرد گل: صد رنگم نر سازد؟

ای عقل، تو به باشی در دانش و در پیش

یا آنکه به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟

ای عشق، اگر چه نسو آشفته و پرتابی

چیزی است که از آتش بر عشق کمر سازد

بیخود شدمی آنم، سرگشته و خیراتم

گاهیام بسوزد پر، گاهی سر و پر سازد

تا این جای شعر را از حفظ بودم و باقی آن را هر کار که کردم به خاطر نیآوردم اما به بنیاد قول دادم که ادامه شعر را از کتابی که در منزل عمو بود بنویسم و برایش بیاورم.

با آمدن معلم ادبیات به کلاس ما هم از حال و هوای شعر و شاعری بیرون آمدیم و خود را برای دادن امتحان آماده کردیم.

به هر ترتیب بود آن روز سبزی شد هر چند که سر امتحان کلی از دست بنیاد حرمین و جوش خوردم و آنقدر از زیر میز لگد خوردم که کیم مانده بود و رفاه را جنوی او بگذارم تا احسنر بتواند بنویسد و شک ندارم که خانم رضایی معلم ادبیات هم همینقدر که من و بنیاد نطلب می‌کنیم و به دلیل اینکه متلاً از شاگردان خوب کلاس بودیم به خاطر حفظ آبرو و یمان حرفی نزد اما از نگاه چپ چپ و لبرو آن گره خورد داشتم که به من و بنیاد خیره شده بود متوجه شدم از من و او انتظار این کار را نداشته است. به هر جهت امتحان سبزی شد و این موضوع هم خاطرهای شد. برای من و بنیاد.

با خوردن رنگ آخر به همراه بنیاد از مدرسه بیرون آمدیم، قرار شد آن روز بنیاد رودت به منزل من بیاید تا برای شب موهایی همدیگر را درست کنیم.

وقتی به منزل رسیدم پدر در حال تحویل گرفتن صندلی‌هایی بود که باید در حیاط جیده می‌شد و من تازه به یاد جشن و مراسم حیادندان پرچهره افتادم و شور و غوغایی در دم به پا شده. با وجودی که هوا آبری بود اما منحنص بود که از آن نوع آبرهایی نیستند که با خود باران به همراه داشته باشند. چیدن صندلی‌ها توسط جوانان حامل با نظارت پدر و عمو و همچنین نصب چراغها توسط نوید انجام شد.

با لذت به منظره حیاط نگاه می‌کردم، با آن لحظه حبت منزل را چنین باشکوه ندیده بودم. همدای یاد مرا به خود آورد: «نگین، ما اونجا نایست، ممکنه چیزی بیفته روی سرته»

به خود آمدم و به پدر و عمو سلام کردم و سپس به طرف مساحتان به راه افتادم.

داخل منزل هم خیلی تغییر کرده بود، تمام اتاقها و دکور منزل جمع شده بود. فرشها و مینها جایشان را با صندلی‌هایی مشابه صندلی‌های حیاط عوض کرده بودند. دور تا دور اتاق دو و گاهی سه ردیف صندلی چیده شده بود. تنها سزای

ادامه دارد

# مشرفه از ابایی مطبوعات

## «کاست» در آخر راه

براساس اعلام شرکت های انگلیسی حدود چهل سال پس از آنکه تولید «کاست» آغاز شده است، فروش این محصول رو به کاهش است.

به اعتقاد آنان محصولی که زمانی بازار موسیقی از آن به واسطه تکثیر غیرمجاز می ترسید، اکنون سال های آخر عمر خود را سپری می کند.

## خط فقر در ایران

مرکز آمار ایران به طور رسمی اعلام کرد: خط فقر نسبی برای خانواده شهری ۱۸۱ هزار تومان و برای خانوار روستایی ۹۸ هزار تومان است.

## بلای همسر دوم

مردی با مراجعه به دادگاه خانواده به قاضی خواستار جدائی از همسرش شد.

مرد ۵۶ ساله ای که خود را علی معرفی کرد گفت: سال گذشته از طریق یکی از آشنایان با ترنس آشنا شدم و او را به عنوان همسر دوم به عقد خود در آوردم، ضمن این که می دانستم او قبلاً ۲ بار ازدواج ناموفق داشته است. با گذشت مدتی متوجه رفتارهای زشت و زننده او شدم و دریافتم که علت جدایی ها، ضرب و جرح همسران سابق بوده است.

او روزشکار است و کاراته کار می کند و همسر دومش را به شدت تکتک زده و او مدتی در بیمارستان بستری بوده است. وی چند روز پیش با این که مهمان داشتیم، بدون اجازه از خانه خارج شد و دیر وقت بازگشت، زمانی که به او اعتراض کردم، ناگهان با چند حرکت ورزشی مرا نقش زمین کرد و نه نیت با ضربات متعدد وی مجروح شدم و با کمک مهمانی که در خانه داشتم، به بیمارستان منتقل شدم و تحت درمان قرار گرفتم و اکنون نیز به هیچ قیمتی حاضر به زندگی با زن کاراته کار نیستم. من حاضر نیستم با زنی زندگی کنم که در کنارش امنیت جانی ندارم.

## پایان یک زندگی

یک مرد پس از آنکه همسرش را با ضربات کاره به قتل رساند اقدام به خودزنی کرد.

این حادثه تلخ در منطقه مهرآباد به وقوع پیوست و ساعتی بعد نیز این مرد به خاطر شدت جراحات در بیمارستان از پای درآمد. بنابه این گزارش، دقایقی بعد ماموران کلانتری ۱۱۹ مهرآباد به همراه بازپرس شاه محمدی در محل جنایت حاضر و تحقیقات خود را آغاز کردند.

در این بررسی ها مشخص شد این زوج که به همراه پسر و عروسشان در این خانه زندگی می کردند پس از رفتن پسرشان به سر کار بر سر موضوعی با یکدیگر درگیر شدند و مرد با وارد کردن ضربات متعدد چاقو همسرش را به قتل رسانده و پس از آن نیز اقدام به خودزنی کرده است.

پس از مرگ عامل این حادثه روی تخت بیمارستان به دستور بازپرس شاه محمدی، اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد.

## انواع فقر

مدیر کل دفتر کاهش فقر و سیاست های جبرانی وزارت رفاه اعلام کرد: براساس برآوردها ۱۷۹ درصد جمعیت شهری دچار فقر شدید است و بین ۱۰ تا ۱۲ درصد جمعیت کشور نیز دچار فقر مطلق می باشد.

## اخطار مجدد امریکا به حکومت ایران

امریکا بار دیگر به ایران هشدار داده که عملیات غنی سازی اورانیوم را از سر نگیرد.

اسکات مک کلن، سخنگوی کاخ سفید، به خبرنگاران گفت موضع ایالات متحده در مورد برنامه های هسته ای حکومت ایران تغییر نکرده و ایران باید تضمین های روشنی بدهد که اهداف اتمی اش را دنبال نخواهد کرد.

●وی افزود حکومت ایران باید تضمین بدهد که تحت پوشش برنامه های غیر نظامی دست به

## از این پس رهبر با یکدست کردن قدرت وارد عرصه سیاسی و دولت مداری می شود

●ماشالله شمس الواعظین سردبیر پنج روزنامه توقیف و تعطیل شده در گفت و گو با سایت روز، با اشاره به تحولات اخیر ایران، نظام سیاسی پیش رو و همچنین وضعیت اکبر گنجی، تاکید کرد که خطای محروبی رهبر جمهوری در نظام جمهوری اسلامی است.

●او در مورد وضعیت گنجی و راه حل آزادی مشروط، گفت: راه حلی که آقایان تحت عنوان آزادی مشروط به آورده اند، به نظر من، بسیار ناجوانمردانه است. آزادی مشروط به کسی مربوط می شود که نبیمی از دوران محکومیتش باقی مانده باشد، چطور آقایان حالا و بعد از پنج سال این پیشنهاد را به گنجی می کنند؟ شمس الواعظین افزود: آیا این پیشنهاد ناشی از فشاری نیست که آقای گنجی با اعتصاب غذا به دولت و حکومت وارد می کند، و آیا این پیشنهاد راه برنورفت آقایان از این بحران نیست؟ یعنی در حالیکه کسی برای مقابله با شرایطی ناعادلانه، به آخرین حربه اش که صدمه زدن به خویش است، متوسل شده، آن وقت پیش پای او راه حلی حقوقی می گذارند. این اخلاقی و جوانمردانه نیست.

## از یار دبستانی تا یارگیری خیابانی علیه رژیم

گروه نوازندگان و خوانندگان شهرداری تهران، متن شعر سرود یار دبستانی را به سرود احمدی نژاد مصادره کرده و آن را بصورت کر در ستایش وی خواندند.

●این سرود در این شب ها مکرر در مکرر و به بهانه های مختلف از سیمای جمهوری اسلامی پخش می شود. درحالیکه، بخش این سرود با متن اصلی همیشه در لیست متنوعه های سیماسی جمهوری اسلامی بود.

●به گفته سایت پیک نت این سرقت هنری آنقدر اهمیت ندارد، اجرا گذاشته شد یک مقام ایرانی دادند روشن خواهند کرد و یار دبستانی به یارگیری خیابانی و مبارزه علیه رژیم خواهد انجامید.

## مقررات شدید تر برای دختران و زنان خیابانی

یدنبال مقررات شدیدی که برای جمع آوری دختران و زنان خیابانی که تعدادشان روز به روز بیشتر می شود به اجرا گذاشته شد یک مقام ایرانی اعلام کرد اغلب دختران فراری، کمتر از ۲۴ ساعت پس از فرار، مورد تجاوز قرار می گیرند.

●دکتر هادی معتمدی، مدیرکل دفتر پیشگیری از آسیبهای اجتماعی سازمان بهزیستی گفت که بیشتر این دختران، پس از تجاوز از سوی خانواده هایشان پذیرفته نمی شوند.

●این مقام مسئول در گفتگو با بخش فراسی بی بی سی گفت که این آمار بر مبنای بررسی شرایط دختران و زنانی است که مورد آسیب اجتماعی قرار گرفته و تحت حمایت مراکز سازمان بهزیستی نگهداری می شوند.

●و همچنین در همایش روز جهانی جمعیت از برنامه هایی برای آموزش

شود. ●او می گوید: آقای خاتمی به جای این درخواست آزادی مشروط باید رسماً اعلام کند که جریان بازداشت، محاکمه و به زندان رفتن گنجی غیر قانونی است. او باید به عنوان حافظ قانون اساسی این حرف را بزند. ●شمس الواعظین در ارتباط با فضای سیاسی کنونی، می گوید: طبقه ای که در برای گرفتن حکومت، پیش می آید به سمت قبضه حکومت سیاسی ایجاد شکل بسته ای از قدرت پیش می روند. اینها ممکن است در عرصه سیاسی انسدادهایی به وجود بیاورند، ولی ناگزیرند برای تضمین تداوم برنامه های خود، در مسیر مقتضیات زمانه عمل کنند. من او افزود: فکر می کنم با توجه به علاقه شدیدی که در رهبری برای یکدست کردن قدرت سیاسی وجود داشته، از این به بعد ما شاهد خواهیم بود که آیت الله خامنه ای رهبر نظام جمهوری اسلامی به طور مستقیم وارد عرصه عمل سیاسی و دولت مداری شود. بعد از این، آقایان یا باید تن به پدیده ها و تحولات نامعلوم، مجهول و نامشخص بدهند و یا تن به سر سپردن به اراده ملت و انتخابات آزاد.

## گفتگوی طولانی رییس جمهوری با رییس قوه قضائیه درباره آزادی اکبر گنجی

ماههای دوران حبس شش ساله اش را می گذراند، حاضر به درخواست آزادی مشروط نیست.

●ابطحی نوشته که این پاسخ را توضیح قانع کننده ای یافته و به اطلاع گنجی اعلام کرده است.

●اکبر گنجی اعلام کرده است که تا وقتی خواسته های او مبنی بر مرخصی و درمان در خارج از زندان و ملاقات حضوری و تماس تلفنی مرتب با اعضای خانواده و وکلایش برآورده نشود به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد.

●افراد و سازمانهای مدافع حقوق بشر در داخل و خارج ایران و همچنین دولت امریکا بارها نسبت به وضعیت اکبر گنجی در زندان ابراز نگرانی کرده و خواستار آزادی او شده اند.

روز سه شنبه دوازدهم ژوئیه پیش از هزار نفر برای اعلام همبستگی با اکبر گنجی و درخواست آزادی او امنیتی ایران در مقابل دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف گردآمدند اما مورد حمله مأموران پلیس و ماموران لباس شخصی ها قرار گرفتند که تجمع کنندگان را با باتوم مورد ضرب و شتم قرار داده، تعدادی از آنها را بازداشت کردند.

●محمود احمدی نژاد، رییس قوه قضائیه، در مهمانی شامی که برای شماری از روزنامه نگاران برپا کرده بود خواستار آن شد که اکبر گنجی نامه ای به رییس قوه قضائیه بنویسد و تقاضای آزادی مشروط کند اما آقای ابطحی نوشته که وقتی این راه حل را با همسر اکبر گنجی در میان می گذارند پاسخی وی این بوده که آقای گنجی در شرایطی که واپسین

●محمود هاشمی شاهرودی، رییس قوه قضائیه ایران تماس گرفته است.

●به گفته مشاور خاتمی میان رئیس جمهور و رییس قوه قضائیه حرفهای مفصلی پشت تلفن رد و بدل شده که طی آن، آقای خاتمی اعلام آمادگی

●معاون دادستان تهران ادعا می کند که اکبر گنجی خود این ناراحتی ها را بوجود آورده است

●محمد سالارکیا، معاون دادستان تهران در امور زندانهای گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی تأیید کرده که اکبر گنجی ضعف جسمی دارد اما گفته که وی تحت مراقبتهای ویژه پزشکی است و پزشکان زندان روزانه دو تا سه نوبت او را معاینه می کنند.

●معاون دادستان تهران هم از وضعیتی که به گفته اکبر گنجی برای خود به وجود آورده ابراز ناراحتی کرده و با اشاره به اینکه بیش از شش یا هفت ماه از دوران محکومیت وی نمانده گرفته برای او نامفهوم است که چرا وی در ماههای آخر محکومیتش به جسم خود آسیب می زند.

●او خواسته اکبر گنجی را عقلایی و بحق ندانسته و تأکید می کند و می گوید: این طور نیست که اگر هر

●مرد اینکه آیا تمایلی دارد که در دوران رئیس جمهور آینده هم مسئول پرونده هسته ای ایران باشد گفته به نظر او در مقطع کنونی بهتر است مسئولیت پرونده هسته ای به وزارت امور خارجه سپرده شود او افزود: مقام معظم رهبری هم توصیه مؤکد داشتند که من مسئولیت را بپذیرم ... اما در مورد همکاری با رییس جمهور آینده، این وابسته به خود دولت است، شرایط آینده شاید به گونه ای باشد که شخص دیگری بهتر بتواند مسئولیت را انجام دهد، باید ببینیم در یک ماه آینده چه خواهد گذاشت.

●محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور، ریاست شورای عالی امنیت ملی را به عهده خواهد داشت و انتصاب دبیر این شورا که اکنون حسن روحانی عهده دار این سمت است با اوست.

●حسن روحانی در عین حال با عرضه پیشنهادها داشته اند، چند روزی به تأخیر بیفتند.

●طرف اروپایی مذاکرات قرار است تا اواخر جولای یا اوائل اوت با عرضه طرح جامعی مشخص کند که در قبال اعمال محدودیتهایی به فعالیت هسته ای ایران، چه امتیازهایی به این کشور می دهد.

●آقای روحانی در گفتگو با شرق استعفاي خود را از شورای عالی امنیت ملی شایعه خوانده اما در

●مرد اینکه آیا تمایلی دارد که در دوران رئیس جمهور آینده هم مسئول پرونده هسته ای ایران باشد گفته به نظر او در مقطع کنونی بهتر است مسئولیت پرونده هسته ای به وزارت امور خارجه سپرده شود او افزود: مقام معظم رهبری هم توصیه مؤکد داشتند که من مسئولیت را بپذیرم ... اما در مورد همکاری با رییس جمهور آینده، این وابسته به خود دولت است، شرایط آینده شاید به گونه ای باشد که شخص دیگری بهتر بتواند مسئولیت را انجام دهد، باید ببینیم در یک ماه آینده چه خواهد گذاشت.

●محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور، ریاست شورای عالی امنیت ملی را به عهده خواهد داشت و انتصاب دبیر این شورا که اکنون حسن روحانی عهده دار این سمت است با اوست.

●حسن روحانی در عین حال با عرضه پیشنهادها داشته اند، چند روزی به تأخیر بیفتند.

●طرف اروپایی مذاکرات قرار است تا اواخر جولای یا اوائل اوت با عرضه طرح جامعی مشخص کند که در قبال اعمال محدودیتهایی به فعالیت هسته ای ایران، چه امتیازهایی به این کشور می دهد.

●آقای روحانی در گفتگو با شرق استعفاي خود را از شورای عالی امنیت ملی شایعه خوانده اما در

●مرد اینکه آیا تمایلی دارد که در دوران رئیس جمهور آینده هم مسئول پرونده هسته ای ایران باشد گفته به نظر او در مقطع کنونی بهتر است مسئولیت پرونده هسته ای به وزارت امور خارجه سپرده شود او افزود: مقام معظم رهبری هم توصیه مؤکد داشتند که من مسئولیت را بپذیرم ... اما در مورد همکاری با رییس جمهور آینده، این وابسته به خود دولت است، شرایط آینده شاید به گونه ای باشد که شخص دیگری بهتر بتواند مسئولیت را انجام دهد، باید ببینیم در یک ماه آینده چه خواهد گذاشت.

●محمود احمدی نژاد، رییس قوه قضائیه، در مهمانی شامی که برای شماری از روزنامه نگاران برپا کرده بود خواستار آن شد که اکبر گنجی نامه ای به رییس قوه قضائیه بنویسد و تقاضای آزادی مشروط کند اما آقای ابطحی نوشته که وقتی این راه حل را با همسر اکبر گنجی در میان می گذارند پاسخی وی این بوده که آقای گنجی در شرایطی که واپسین

●محمود هاشمی شاهرودی، رییس قوه قضائیه ایران تماس گرفته است.

●به گفته مشاور خاتمی میان رئیس جمهور و رییس قوه قضائیه حرفهای مفصلی پشت تلفن رد و بدل شده که طی آن، آقای خاتمی اعلام آمادگی

●معاون دادستان تهران ادعا می کند که اکبر گنجی خود این ناراحتی ها را بوجود آورده است

●محمد سالارکیا، معاون دادستان تهران در امور زندانهای گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی تأیید کرده که اکبر گنجی ضعف جسمی دارد اما گفته که وی تحت مراقبتهای ویژه پزشکی است و پزشکان زندان روزانه دو تا سه نوبت او را معاینه می کنند.

●معاون دادستان تهران هم از وضعیتی که به گفته اکبر گنجی برای خود به وجود آورده ابراز ناراحتی کرده و با اشاره به اینکه بیش از شش یا هفت ماه از دوران محکومیت وی نمانده گرفته برای او نامفهوم است که چرا وی در ماههای آخر محکومیتش به جسم خود آسیب می زند.

●او خواسته اکبر گنجی را عقلایی و بحق ندانسته و تأکید می کند و می گوید: این طور نیست که اگر هر

## یک کلام

**تلافی!**  
روزنامه ایران نوشت: انگلیس در وحشت از تکرار حمله های تروریستی است.

**- هر که خربوزه می خوره پای لرش هم می شینه!**

**ایرانیت!**  
حجت الاسلام کربوبی (کاندیدای ریاست جمهوری) انتخابات نهم صیقل جمهوری و اسلامیت بود!

**- قبل از انتخابات دیگر (ایرانیت) را قربانی فرموده بودند!**

**تجرا!**  
روزنامه توسعه نوشت: تججر زمینه ساز حادثه کوی دانشگاه بود.

**- تا به حال تججر اسلامی زمینه ساز چه فاجعه هایی در ایران نبوده است؟!!**

**بی ایمانی!**  
رئیس مرکز اسلامی انگلیس گفت: تروریسم حاصل بی ایمانی و گرایش غیرعقلانی به دین است.

**- رژیم جمهوری اسلامی نیز همین طور!**

**تبدیل!**  
روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: به مساجد و مراکز اسلامی در انگلیس حمله شد.

**- لانه های جاسوسی و آدمکش و طرح و توطئه را بایستی به مدرسه مبدل کرد.**

**فاتحه!**  
روزنامه جمهوری اسلامی هشدار داد که وضعیت دیپلمات های رپوده شده ایرانی (در لبنان) را فوراً مشخص کنید.

**- آن بیچاره های جاسوس، هفت گنم هم پوسانده اند!**

**مخدوش!**  
سخنگوی شورای نگهبان گفت: انتخابات نماینده مجلس در بم، مخدوش است!

**- این بار زلزله بسیجی و شورای نگهبان به آنچه نویسنده است! یا کم ریشر بود!**

**دروغگویی!**  
روزنامه رسالت نوشت: انفجارهای لندن، برای تهاجم جدید علیه اسلام و مسلمانان است.

**- حالا خوب است در اسلام دروغگو، دشمن خداست وگرنه معلوم نبود آخوند و آخوندک ها چه آتشی در دنیا که نمی سوزانند؟!!**

# ROLLOVER® - THE BEST DEAL IN WIRELESS

CINGULAR NAMED "2005 CARRIER OF THE YEAR" BY WIRELESS WEEK

**cingular**  
raising the bar  
Authorized Dealer

MOTOROLA V220

SONY ERICSSON S710a



VIDEO CAMERA PHONE  
REAL MUSIC RINGTONES

## ONLY FROM CINGULAR

Roll over your unused Anytime Minutes, so you're protected from overage charges.

Your anytime minutes Rollover® On Cingular GSM Nation plans \$39.99 and higher

Rollover® does not apply to Mobile-to-Mobile or Night & Weekend minutes



CAMERA PHONE  
AOL® INSTANT MESSENGER™



\*Cingular also imposes monthly a Regulatory Cost Recovery Fee of up to \$1.25 to help defray costs incurred in complying with State and Federal telecom regulation; a gross receipts surcharge; and State and Federal Universal Service charges. These are not taxes or government-required charges.

Limited-time offer expires 7/31/05. Other conditions and restrictions apply. See contract and rate plan brochure for details. Up to \$36 activation fee applies. Phone price and availability may vary by market. Sales tax calculated based on price of unactivated phone. Early Termination Fee: None if cancelled in first 30 days; thereafter, \$150. In addition to the \$150 early termination fee, the Cingular authorized agent running this ad also imposes an equipment charge of \$200 if service is cancelled more than 30 but less than 180 days after activation. Billing: Usage rounded up to the next full minute or kilobyte, at the end of each call or data session, for billing purposes. Cingular Nation: Cingular reserves the right to terminate your service if less than 50% of your usage over three consecutive billing cycles is on Cingular-owned systems. Customer must (1) use phone programmed with Cingular Wireless' preferred roaming database; (2) have a mailing address and live in the area in which subscription is made. Allover: Coverage not available in all areas. See coverage map at stores for details. More bars claim compares Cingular's network before to after merger. Nights and Weekends: 9 pm to 6 am Mon - Fri; weekends 9 pm Fri to 6 am Mon. Rollover Minutes: Unused Anytime Minutes expire after the 12th billing period. Night and Weekend and Mobile to Mobile Minutes do not roll over. Unlimited nationwide mobile to mobile available with plans starting at \$39.99 with one year agreement. AOL, Buddy List, the triangle design and the running man logo are registered trademarks of America Online, Inc. Instant Messenger is a trademark of America Online, Inc. ©2005 Cingular Wireless. All rights reserved.



## دوئل دیدنی صباپاتری با ابومسلم برای تصاحب جام حذفی

تفکرات حاکم بر تیم‌ها بسیار پررنگ است. خیلی اتفاقات بیرون از زمین می‌افتد و بازی بازیکنان دو تیم نهایتاً تعیین کننده ۵۰ درصد نتیجه است. تفکرات مربیان تیم‌ها فوق‌العاده حساس است و تجربه هم نقش زیادی دارد.

درباره تفکرات مربیان دو تیم صباپاتری و ابومسلم باید گفت که معجد جلالی و اکبر میثاقیان در دو جهت متفاوت حرکت می‌کنند. جلالی اقتدر به علم اهمیت می‌دهد که همه او را به اسم «معجد کامپیوتر» می‌شناسند اما اکبر میثاقیان به تنها چیزی که فکر نمی‌کند علم است.

میثاقیان از آن دسته مربیانی است که اگر لازم باشد سیستم زیر توپ زدن را به هر روش دیگری ترجیح می‌دهد اما جلالی هیچ وقت حاضر نمی‌شود فوتبال زیبا را فدای نتیجه کند. جلالی حاضر است تیمش قهرمان نشود اما کسی نگوید صباپاتری ضد فوتبال بازی کرده.



HR

این مسابقه به معنی بازی در جام باشگاه‌های فصل بعد است. صباپاتری برای قهرمانی در جام حذفی کار سختی دارد. حتی کشاندن مسابقه به پنتالتی هم کار آسانی نیست. چه برسد به اینکه صبا بخواهد در طول ۹۰ دقیقه کار را تمام کند.

### دوئل: علم سنت

در چنین بازیهای حساسی نقش

ابومسلم برای رسیدن به فینال فخرسپاسی را شکست داد. پیروزی مقابل فخرسپاسی آن هم در شیراز کار کوچکی نبود. مهمتر از آن پیروزی، تساوی مقابل صباپاتری در صباشهر بود. نتیجه‌ای که باعث شد نام ابومسلم به عنوان شانس اول قهرمانی مطرح شود. این تیم با تساوی یک در بازی رفت شانس خود را به بیش از ۵۰ درصد افزایش داد. انگار که فینال هم مثل بازیهای مراحل قبل رفت و برگشت نبوده. مثل این می‌ماند که اصلاً بازی رفتی در کار نبوده و ابومسلم در خانه‌اش تک بازی فینال را برگزار می‌کند. قانون گل‌های زده و خورده هم اگر به کار بیاید احتمالاً به سود ابومسلم است چون ابومسلم تیمی نیست که راحت دو گل بخورد اما با سابقه‌ای که از ابومسلم در دست است، می‌شود راحت فهمید که ابومسلم اگر بخواهد، می‌تواند بازی را بدون گل تمام کند.

## رحمان رضائی بدون دعوت در تهران!

ایتالیا کمی شلوغ کرده بودند. اتفاقاً بودجه امسال مسینا خوب است و اکثر بچه‌ها قرارداد خود را تمدید کردند. «رحمان رضائی در فصل به پایان رسیده سری A سومین نفری بود که با ۲۳۰۰ دقیقه حضور در زمین آمار مثبتی داشت. او در این باره می‌گوید: «خوشحالم که به عنوان یک مدافع در فوتبال اروپا و ایتالیا به این رکورد رسیده‌ام، همین موارد رضایت سرمربی و مدیریت را از عملکرد من نشان می‌دهد و من هم دوست ندارم این اعتبار و احترام را به خاطر پول از دست بدهم و به کشور دیگری یا تیم جدیدی بروم. رحمان درباره حضور در تمرینات تیم ملی و بازی با ژاپن می‌گوید: «قرار بود امروز (دیروز) به تمرینات تیم ملی بروم اما با برانکو صحبت کردم و او قبول کرد که به کارهایم رسیدگی کنم.»



در هفته گذشته خبرگزاری‌های ایتالیا خبری مخایره کردند درباره حضور مسینا در لیگ یک، علت این سقوط از سوی خبرگزاری‌ها بحران مالی نبود سرمایه‌لازم در حساب‌های بانکی مدیر یا مدیران باشگاه مسینا عنوان شده بود، اما رحمان رضائی که به طور سرزده به تهران آمده درباره این مسائل می‌گوید: «من به خاطر مشکلات شخصی و کارهای اداری که عقب افتاده و باید انجام می‌دادم به ایران آمدم و هیچ مشکلی با مسینا ندارم.» رحمان درباره تمدید قرارداد خود می‌گوید: «با مسینا به توافق رسیده‌ام و مشکلی از نظر مالی ندارم و اگر مشکلی پیش نیاید ۱۰ روز دیگر که اردوی تیم تمام شد قراردادم را امضا می‌کنم، البته تا پایان ماه آگوست (۹ شهریور) وقت است. رحمان درباره بحران مالی مسینا و احتمال سقوط این تیم به رده پایین‌تر می‌گوید: «هر سال ابتدای فصل از باشگاه‌های سری A مدارکی می‌خواهند که یکی از آنها بیلان مالی، موجودی و بودجه و... است. در مقطعی پول مدیر باشگاه در حد لازم نبود که بلافاصله با واریز جدید، این مشکل حل شد. مدیر باشگاه مسینا یک فرد ثروتمند است که مشکلی ازین بابت این مسائل ندارد. مطبوعات

## آرمسترانگ همچنان پیشتاز در فرانسه



لانس آرمسترانگ، دوچرخه‌سوار مشهور آمریکایی با پس گرفتن مقام پیشتازی رقابت‌های معتبر «دور فرانسه» ۲۰۰۵ پس از فقط یک مرحله فترت، نشان داد که برای کسب هفتمین قهرمانی متوالی‌اش همچنان مصمم است. او در مرحله دهم این پیکارها که به مسافت ۱۸۱ کیلومتر و از برینو تا چورچه‌ول برگزار شد، با زمانی برابر «اله خاندرو» و «الورده» اسپانیایی به رتبه دوم قناعت کرد، اما همین نیز کافی بود تا پیراهن زرد رنگ ویژه پیشتازان به نژد او بازگردد. رکابزن ۳۴ ساله اهل ایالت نگزاس آمریکا حالا ۳۸ تانیه از مایکل راسموسن دانمارکی پیش است و ایوان باسو ایتالیایی با ۲/۴۰ دقیقه اختلاف در جای سوم نشسته است. آرمسترانگ که صدرنشینی را در مرحله نهم از دست داده بود، دیروز حفظ کند.»

داستان یاگل کمی متفاوت است. با در نظر گرفتن بیکاری مری سابق هامبورگ می‌توان با او ارتباط برقرار کرد و به وی پیشنهاد داد ولی این نکته را نباید فراموش کرد که با توجه به تجربه این مری آلمانی در لیگ امارات او حاضر نمی‌شود با مبلغی کمتر از ۵۰۰ هزار دلار با پرسپولیس قرارداد ببندد. پرسپولیس سال گذشته با کمک محمودرضا فاضلی مذاکرات قابل توجهی با پالگسدورف داشت اما این مری با مبلغ پیشنهادی طرف ایرانی موافقت نکرد. خب مگر آنکه امسال گنجی نصیب مقامات پرسپولیس شده باشد که آنها بتوانند پای پالگسدورف را به ورزشگاه کارگران بکشانند!

## پرسپولیس باجیب خالی دنبال مربیان مطرح اروپا!

تکلیف نیمکت پرسپولیس برای فصل آینده مشخص نیست، پس از مطرح شدن گزینه‌هایی چون ناصر ابراهیمی و محمد مایلی‌کهن به یک‌باره دو مری بزرگ آلمانی کریستوف دام و فرانک پالگسدورف به عنوان مربیان احتمالی پرسپولیس معرفی شدند. خبری که حتی توانست به صفحات یک روزنامه ورزشی که کمتر مایل به چاپ شایعات است رسوخ کند. با توجه به وضعیت مالی کنونی پرسپولیس آیا این تیم توان استفاده چنین مربیان صاحب‌نامی را دارد؟

کریستوف دام فصل گذشته فتر باغچه‌را به قهرمانی ترکیه رساند تا سال آینده در لیگ قهرمانان اروپا حاضر باشد و با توجه به قراردادی که او با این تیم دارد پرسپولیس با قیمتی کمتر از ۵/۱ میلیون دلار نمی‌تواند این مری را راضی به حضور در تهران کند و دست داده او در پرسپولیس با توجه به جایگاه او در ترکیه و دستمزد سنگین‌اش بیشتر شبیه یک شوخی است. با این حال



از سال ۸۲ که علی پروین با سرمربیگری پرسپولیس خداحافظی کرد بسیاری از مربیان مطرح اروپایی در روزنامه‌های ایران این افتخار را پیدا کردند که به عنوان جانشین پروین معرفی شوند. از میک مک‌کارتی ایرلندی گرفته تا برتی فوگتس آلمانی و از یوپ هاینکس تا دل بوسکه! این روزها هم که هنوز

## آموزش شنا، شیرجه و نجات غریق

زیر نظر عباس خلیقی مری در چه یک بین المللی و تیم ملی ایران باشنا صاحب بدنی زیبا و متناسب خواهد شد

با ۱۰ ساعت تمرین شنا، ایماوزید و حق‌التعلیم آنزاد ارنهای کلاس پرداخت کنید

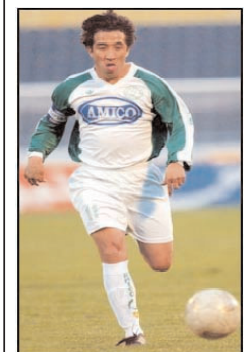
آموزش نجات غریق در ۵ جلسه

آموزش شیرجه بصورت نیمه حرفه‌ای ۱۵ جلسه

تلفن: ۱۷۲۵-۱۷۲۶-۸۱۸



## آدمیرا با ایرانی هایش در آغاز فصل جدید وضعیت فیزیکی خداداد راضی کننده نیست



آدمیرا، باشگاهی که توسط ایرانیان هدایت می‌شود، در حالی فصل جدید مسابقات فوتبال اتریش را آغاز می‌کند که سبزه بازیکن جدید جذب کرده و در عوض یک رکورد در زمینه جدا شدگان به نام خود ثبت کرده است: ۲۵ بازیکن از این تیم جدا شده‌اند.

باشگاهی که معمولاً در سال‌های اخیر، دنبال فرار از سقوط بوده است، امیدوار است با سرمایه‌گذاری معجد پیشیار، سرمایه‌دار ایرانی و مالک کمپانی Gropp امارات متحده عربی وضعیت بهتری پیدا کند. خشایار محسنی و حشمت مهاجرانی دیگر ایرانی‌های رده مدیریتی باشگاه هستند هر چند که حشمت مهاجرانی سرمربی تیم ملی موفق ایران در دهه ۷۰ اعلام کرده است که به دلایل مشکلات مدیریتی دیگر کارش را در این باشگاه ادامه نمی‌دهد.

## دکتر طناز کاهن

جراح و متخصص زنان، زایمان و نازایی از دانشگاه شیکاگو

کلیه سرویس‌های پزشکی شامل آزمایش خون، آزمایش پوکی استخوان و جراحی‌های سرپایی در مطب انجام می‌شود

تلفن: ۶۷۷۵-۵۰۱-۸۱۸

آدرس: ۱۶۳۱۱ ونچورا بلوار، سوئیت ۱۰۸۰



**Shir International**  
Magid Bengali & Son's Company

انجام هر نوع کارهای ساختمانی داخل و خارج، بزرگ و کوچک

در هر نقطه از لس آنجلس باقیمت بسیار مناسب و کیفیت کار عالی با گارانتی صد درصد

۳۱۶۰-۹۷۸-۳۱۰ Pager  
۹۴۰۸-۶۴۴-۳۱۰ Office  
۵۹۴۱-۶۷۸-۳۱۰ Cel

خدمات ساختمانی و مدیریت آپارتمان بیلدینگ

WWW.shir-international.com

این تیم امسال بازیکن قدیمی و مشهور ایران خداداد عزیزی را هم به خدمت گرفته است. به نظر می‌رسد که بازیکن برتر آسیا در سال ۱۹۹۶ در آدمیرا نقش بازیساز پشت سر مهاجمان تیم را بازی کند هر چند که از زمان حضور او در تمرینات آدمیرا وضعیت فیزیکی او اصلاً راضی کننده نبوده است.

عزیزی ۳۴ ساله سومین بازیکن ایرانی آدمیرا پس از مهدی پاشازاده و جواد رزاقی است. در حالی که رزاقی چپ پا به نظر نمی‌رسد شانس

## بهترین دروازه بان آسیا کیست؟



سایت خبری goal در گزارشی چهار دروازه بان برتر فوتبال آسیا را انتخاب کرده است.

جان دوردن خبرنگار سایت خبری گل در گزارش خود عملکرد چهار دروازه بان مطرح آسیا را بررسی کرده است که در بین این دروازه بان‌ها نامی از ایرانی‌ها وجود ندارد.

یک سوال ساده؛ بهترین دروازه بان آسیا کیست؟

جان دوردن از مسؤولان فوتبال کشورهای مختلف آسیا این سؤال را پرسیده تا به جواب دلخواه خود برسد.

اولین دروازه بان عامر شفی دروازه بان تیم ملی اردن است. او عضو تیم یرموک بوده و با ۱۹۰ سانتیمتر قد بازیکنی توانا و چالاک است. او در سال ۲۰۰۲ در مسابقات غرب آسیا نشان ویژه دروازه بان‌ها دریافت کرد و همچنین درخشش او در مسابقات جام ملت‌های آسیا به کمک اردن آمد. این دروازه بان برای ایرانی‌ها نیز نامی آشنا است چرا که او در دیدار اردن و ایران در چارچوب رقابت‌های مقدماتی جام جهانی منجی دروازه اردن شد تا این تیم موفق به پیروزی یک بر صفر برابر ایران شود.

دومین دروازه بان الحیسی دروازه بان تیم ملی عمان است. این دروازه بان ۲۳ ساله که سابقه حضور در لیگ نروژ و تیم لیون فرانسه را دارد به تازگی با تیم بولتون واندرز انگلیس وارد مذاکره شده و به این تیم پیوسته است. او با دستان بلند خود مانع از ورود هر تویی به درون دروازه خود می‌شود. اما او در مسابقات جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۴ یک ناکام بود چرا که در گروهی قرار داشت که ژاپن و ایران حضور داشتند.

محض اطلاع

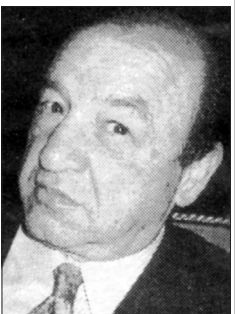
گفته ها

محض اطلاع

شنیده ها

محض اطلاع

خواننده ها



سالگرد علی

روز یکشنبه ۲۶ تیر- ۱۷ جولای سالگرد وداع همیشگی علی مرتضوی دوست صمیمی و همیشه خندان ما، با نزدیکان و یاران است. مرگی که با یک حادثه آغاز شد و او ماه ها در گما گذشت و هنوز هم برای ما باور کردنی نیست که علی سراپا شور و شوق زندگی و حرکت بود، مانند همه سال های طولانی

فعالیت و حیات مطبوعاتی، بخصوص در حرفه پر جاذبه ای مانند رشته سینما و هنر پیشگان آن - که خود آفریننده فریبندگی ها و جذابیت های خاصی است و علی این جاذبه را با ایجاد جایزه سپاس برای بهترین های سینمای ایران، چشم گیرتر و فریبنده تر ساخت. گرچه دوره مجله سینمایی او هم می تواند افتخار سپاس دیگری برای سینمای ایران باشد.

سالگرد زنده یاد علی مرتضوی روز یکشنبه از ساعت ۷ تا ۶ بعد از ظهر ۱۷ جولای ۲۰۰۵ در بنیاد ایمان برگزار می شود که عده زیادی از دوستان و یاران و دوستانداران هم چنین همسر و فرزندان و بستگان او حضور دارند.

شب عروسی شهره

بعد از انقلاب اسلامی، بانوان ایران خوش درخشیدند. در تمام زمینه ها و از جمله در عرصه فرهنگ و هنر.

**Café Trottoir**

پاتوق جوانهای با حال دیروز و امروز

انواع ساندویچ های خوشمزه ایرانی  
کباب کوبیده و جوجه کباب  
قلیان - اینترنت و لا تاری

کیتترینک برای میهمانی های شما پذیرفته میشود

20115 ShermanWay Winnetka, Ca 91306  
818 349-7686



هر چند که شعر نو ایران سیر نزولی در غیاب نشریاتی مانند مجله "فردوسی" طی کرد، اما داستان نویسی چه رمان و چه قصه کوتاه بالیدن گرفت و بانوان بسیاری در این زمینه صاحب نام شدند و فریحه قدرتمند خود را نمایش دادند. از جمله این بانوان، "شهره و کیلی" است که قبلا داستان بلند او را در عصر امروز خوانده اید.

رضا خان ۷۰ ساله!

رضا فاضلی هنرمند مشهور سینمای پیش از انقلاب و چهره و برنامه ساز سیاسی بعد از انقلاب در این هفته هفتاد ساله شد و به همین مناسبت تعدادی از دوستان نزدیک او شبته شب در منزلش شب تولد او را جشن گرفتند و امید این که رضا همیشه سالم و سلامت باشد و در فعالیت های سیاسی اش (که پس از تلویزیون آزادی فعلا محدود به برنامه ۸/۵ تا ۸/۵ صبح شبته تلویزیون پارس است) موفق باشد.

در عکس همسر و فرزندان او گرد یک کیک تولد هستند و عسل پهلوان شمع های کیک را روشن می کند. آن شب دوست ما مرتضی قمصری هم طبق معمول هم عکس می گرفت و هم فیلم.

خوشبختی و گدایی!

همشهری ما می گفت: مرتب می گویند پول خوشبختی نمی آورد! که آدم خیال می کند، برای خوشبخت شدن حتما باید گدا

داد: آخه علاقه ای به رژیم ندارند، آگه یک رژیم مناسب بیاد، اضافه وزنش کم میشه!

اندر فواید تنهایی!

شربتعلی خان می گفت: از قدیم و ندیم ها همیشه تنهایی برای آدمیزاد لذت بخش بوده! یکی از رفقا گفت: تنهایی و البته با یک دختر لوند و تودل برو!

مقصر دعوا!

دو نفر با هم دعوا می کردند. وقتی همشهری ما آنها را دید گفت: آن که خرتره، مقصره!

**رستوران برگ سبز**

بأبهترین موادغذائی آماده پذیرائی از میهمانان  
شماره رستوران و یادرمز شماس

14929 Magnolia Blvd., Sherman Oaks, CA 91403  
(818) 386-9672



رئیس سابق ولدکام ۲۵ سال حبس گرفت

مدیرکل سابق شرکت عظیم ارتباطات ولدکام به جرم کلاهبرداری به ۲۵ سال زندان محکوم شده است. برنارد ابرز (Bernard Ebberts) بر اساس مقررات تازه در آمریکا که شدت مجازات را به ابعاد ضررهای مالی در پرونده های کلاهبرداری در شرکت های تجاری پیوند می زند مجازات شده است. ولدکام در پی ظاهر شدن حفره ای ۱۱ میلیارد دلاری در حساب های مالی اش فروپاشید، بنابراین تحمیل یک مجازات حبس طولانی برای آقای ابرز اجتناب ناپذیر می نمود. وی بزرگترین طعمه ای است که در مبارزات مقام های قضایی آمریکا برای تنبیه کسانی که مسوول موج رسوایی های مالی تلقی می شدند به دام می افتند. آن رسوایی ها باعث افت شدید اعتماد در بازارهای مالی آمریکا در حدود سه سال قبل شد. معضلات ولدکام چند ماه پس از فروپاشی شرکت مبادله انرژی انرون (Enron) پدیدار شد. آن دو رسوایی عمدتا در کنار هم به عنوان نماد آن دوره رسوایی های مالی در شرکت های بزرگ تجاری شناخته می شوند. با این حال جزئیات مربوط به رسوایی در دو شرکت کاملا متفاوت است. انرون یک دستگاه پیچیده و بدیع کلاهبرداری شامل ابزارهای پیشرفته حسابداری، یک رشته حساب های

خارجی و تیم هایی از مشاوران حرفه ای با حقوق های کلان بود. درحالی که کلاهبرداری ولدکام را می توان در اظهارات کذب درباره ارقام مالی شرکت خلاصه کرد، بدون آنکه هیچگونه طرح پیچیده ای برای فریبکاری در میان باشد. معاکمه دو عدد از ارشدترین مدیران انرون قرار است اوایل سال آینده آغاز شود.

در پی موج رسوایی ها در ولدکام، انرون و سایر شرکت ها، بر شدت و حدت مقررات حسابداری در آمریکا افزوده شد.

اما اکنون بسیاری از کسب و کارها شکایت می کنند که مقررات تازه بیشتر از حد دست و پا گیر است و باعث تضعیف سرمایه گذاری و افراط در بوروکراسی می شود. در دوران رسوایی ولدکام، آن حادثه بزرگترین کلاهبرداری تجاری تا آن روز توصیف شد اما از آن زمان تاکنون این عنوان نصیب شرکت ایتالیایی پارمالت که ضررهای آن حتی بزرگتر بود شده است.

**ماساژ**

توسط زیبای ایرانی  
مرسده  
۳۰۵۲ - ۳۴۵ (۸۱۸)

**تالار خانوادگی کاسپین**

گروه هنری و فرهنگی کاسپین تقدیم می کند

هر پنجشنبه و یکشنبه شب هانر مند برجسته کشورمان منوچهر چشم آذر به همراه هنرمند محبوب رویاخواننده خاطره ها هر جمعه و شنبه شب هانر مند برجسته کشورمان منوچهر چشم آذر به همراه هنرمند محبوب محمود صدائی در اوج باشعبد باز سرشناس های بود Mike Wong و رقص بین المللی لیلا و لوتوس

949-651-8454

**LASER EYE CENTER**

When experience counts, we're the ones to see

VOTED BEST LASIK CENTER FOUR YEARS RUNNING

**CUSTOM LASIK**

New Wavefront Technology

starting at **LASIK \$499** per eye

FREE CONSULTATION FINANCING AVAILABLE

1-800-80-LASER

www.lasereyecenter.com 1-800-805-2737

**هیچ بستنی و پالوده ای، بستنی و پالوده گل و بلبل نمیشه**

آدرس: وست وود تلفن: ۲۱۲۱-۴۷۰-۳۱۰ (۳۱۰) شعبه دوم ۱۱۶۲۸ سانتامونیکا